إعرف الحق تعرف أهله

۲۷

سلسله پژوهش های اعتقادی

آداب مناظره و گفت و گو در اصول دین

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بسم الله الرحمن الرحیم

سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی المیلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب مناظره و گفت وگو در اصول دین المجلد ۲۷

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ -

عنوان قراردادی: ادب‌الحوار فی اصول‌الدین.فارسی

عنوان و نـام پدیـدآور: آداب منـاظره و گفت و گو در اصول دین/ علی حسـینی‌میلانـی؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه انتشـارات الحقایق.

مشخصات نشر: قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۱۱۱ ص.

فروست: سلسله پژوهش‌های اعتقادی؛ ۲۷.

شابک: ۱۶۰۰۰ ریال۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۸-۳۷-۸:

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۰۱] - ۱۱۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: شیعه -- اصول دین-- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

موضوع: شیعه -- احتجاجات

موضوع: مجادله (قرآن)

موضوع: دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

موضوع: بحث و مذاکره -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع: گفتگو -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده: مرکز الحقائق الاسلامیه

رده بندی کنگره: BP۲۱۱/۵/ح۵۷الف ۴۰۴۱ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۰۵۲۹۲

سرآغاز ... ص: ۹

...آخرین و کامل‌ترین دین الاهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی صلّی اللَّه علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الاهی با نبوّت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسـلام در شـهر مکّه شـکوفا شـد و پس از بیست و سه سـال زحمـات طاقت فرسای رسول خـدا صـلّی اللَّه علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیرهٔ العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الاهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منّان به نخستین رادمرد عالم اسـلام پس از پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشـینی حضـرت علی علیه السلام، نعمت الاهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دینِ مورد

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۱۰

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلّی اللَّه علیه وآله،- با توطئه‌هایی از پیش مهیّا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیّر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق اسلام را- که همچون آفتاب جهان‌تاب بود- پشت ابرهای سیاه شکّ و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرَرْبار پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله، توسّط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سیّد مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علّامه حلّی، قاضی نوراللَّه، میر حامد حسین، سیّد شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پرفروز می‌درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۱۱

واقعیّات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رَسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت اللَّه سیّد علی حسینی میلانی، می‌باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقّق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّمٌ له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّمٌ له است که اینک "فارسی زبانان "را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّهٔ اللَّه الأعظم، حضرت ولیّ عصر، امام زمان عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۱۵

الحمد للَّه ربّ العالمین و الصّلاهٔ و السّلام علی محمّد وآله

الطّیبین الطاهرین ولعنهٔ اللَّه علی أعدائهم أجمعین.

پیش‌گفتار ... ص: ۱۵

هر اندیشمند و صاحب ایده‌ای ترویج و تبلیغ اندیشه‌ها و عقاید خود را حقّی طبیعی می‌داند؛ پیشرفت و موفقیت در تبلیغ یک باور، به تحقق شروط معینی بسته است، آن سان که ترویج یک اندیشه نیز، ابزارهای خاص خود را می‌طلبد؛ به ویژه در شرایطی که دیدگاه‌های مختلف در برابر هم قرار گیرند و طرفداران هر دیدگاهی، به ترویج دیدگاه خود بپردازند که در این صورت، کشمکش عقیدتی و فکری روی می‌دهد؛ چرا که هر یک از طرفداران دیدگاه‌های مختلف، صحّت عقیده و حقّ را از آنِ خود می‌دانند و در صدد غلبه و سیطره فکری بر دیگران برمی‌آیند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۱۶

البته اصول و ابزارهـای پیروزی در میـدان کشـمکش عقیـدتی با اصول و ابزارهای حاکم بر میـدان جنگ و رویارویی نظامی تفاوت دارد.

کتـاب پیش رو، قواعـد بحث و آداب منـاظره و گفت و گو میان دانشـمندان اسـلام، پیرامون اصول دین؛ به ویژه بحث‌های امامت و خلافت را به صورت مختصر بیان می‌دارد.

در این پژوهش، قواعد و آداب مناظره از کتاب، سنّت و حکم عقل سلیم، استنباط شده است. امید است که برای محققان این عرصه از علم سودمند باشد و توفیق همه از خداوند است...

علی حسینی میلانی

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۱۹

بخش‌یکم نگاهی به‌علم جدل ... ص: ۱۹

اشارهٔ

عُقلا به عنوان اصـحاب نظر و اندیشه، برای کشـمکش در این عرصه، مرزهای خاصی را تعیین نموده و برای پیروزی در آن، اصولی را بنیان نهاده‌انـد که معیار و ملاک پـذیرش یا ردّ انـدیشه‌های دیگر به شـمار می‌آیـد ... روش‌ها و مسائل «جدل» که در کتاب‌های منطق، مورد بررسی و بازنگری قرار می‌گیرد، در اثر تلاش‌های عقلا بنیان نهاده شده است.

انتخاب نام «جدل» برای این علم یا صنعت، خوش سلیقگی عقلا را نمایان می‌سازد؛ چرا که معنای لغوی «جدل»، پیوندی مستحکم با مقصود منطقی آن دارد.

جدال در لغت ... ص: ۱۹

راغب اصفهانی در واژه جدل می‌گوید:

الجـدال: المفاوضـهٔ علی سبیل المنازعـهٔ والمغالبهٔ وأصـله من جدلت الحبل، أی: أحکمت فتله، ومنه الجدیل، وجدلت البناء أحکمته، ودرع مجدولهٔ، والأجدل: الصقر الحکم البنیهٔ

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۲۰

والمجدل: القصر المحکم البناء ومنه الجدال، فکأنّ المتجادلین یفتل کلّ واحدٍ الآخر عن رأیه؛

جـدال به معنـای مباحثه مبتنی بر نزاع و برتری طلبی است. اصل این واژه از «جَدَلتُ الحَبلَ» گرفته شـده که به معنای «تابیـدن محکم طناب» است. «جدیل» «طناب تابیده» نیز برگرفته از همین ریشه است.

«جَدَلتُ البناءَ»؛ یعنی ساختمان را مسـتحکم کردم. «دِرعٌ مجدولَهٌ» به معنای زره مسـتحکم است. «أجدَل» بر باز شـکاری و قوی پنجه اطلاق می‌شود و «مجدل» نیز به معنای کاخ مستحکم است.

جـدال از مادّه «جدل» برگرفته شده و بدین معناست که هر یک از دو طرف مجادله، هم‌دیگر را از دیدگاه‌های سابق خود، منصـرف می‌کنند.

راغب اصفهانی در ادامه می‌افزاید:

می‌گوینـد: اصـل جـدال، کشـمکش و مبـارزه است کـه طی آن یکی از دو طرف، دیگری را بر روی جـداله؛ یعنی زمیـن سـخت،

می‌اندازد. «۱»

جدال در قرآن ... ص: ۲۰

اشارهٔ

ادیان آسمانی، اسلوب جدال را پذیرفته‌اند و پیامبران پیشین،

---

(۱). المفردات فی غریب القرآن: ۸۷، مادّهٔ «جَدَل».

جدال را به عنوان یکی از روش‌های تبلیغی به کار گرفته‌اند. نمونه‌هایی از جدال پیامبران، در قرآن آمده است که در ادامه خواهد آمد.

آن گاه که پیامبر اسلام صلی اللَّه علیه وآله به پیامبری مبعوث شد از سوی خدای متعال این گونه مورد خطاب قرار گرفت:

«یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِنَّا أَرْسَلْناکَ شاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذیرًا* وَداعِیًا إِلَی اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِراجًا مُنیرًا»؛ «۱»

ای پیامبر! ما تو را گواه، مژده دهنده و بیم دهنده فرستادیم و تو را دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی روشنی بخش قرار دادیم.

در آیه دیگر خدای متعال چگونگی و ابزار دعوت را برای پیامبر صلی اللَّه علیه وآله مشخص کرده و می‌فرماید:

«ادْعُ إِلی سَبیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِٔ وَالْمَوْعِظَهِٔ الْحَسَنَهِٔ»؛ «۲»

(ای پیامبر!) مردم را به حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه خدا فرا خوان!

خداوند در ادامه به پیامبر صلی اللَّه علیه وآله دستور می‌دهد که در صورت مجادله مشرکان، با آن‌ها به جدال برخیز:

---

(۱). سوره احزاب: آیه‌های ۴۵ و ۴۶.

(۲). سوره نحل: آیه ۱۲۵.

«وَجادِلْهُمْ بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ»؛ «۱»

و با آن‌ها به بهترین طریق، مجادله کن.

کوتاه سخن این که نخستین وظیفه پیامبر صلی اللَّه علیه وآله همان ابلاغ پیام و دعوت به راه خداست. پس در صورتی که کسی باشد که حکمت در او تأثیر کند، باید از آن بهره گیرد و اگر از عموم مردم باشد، باید او را از طریق نصیحت و موعظه نیکو به اسلام فرا خواند و اگر در میان مردم، افرادی باشند که در مقابل پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله بایستند و در صدد غلبه بر آن حضرت برآیند، ناگزیر باید راه جدال در پیش گرفته شود.

احتمال می‌رود که آیه مذکور، اهل کتاب را نشانه رفته باشد، چنان که در آیه دیگری آمده است:

«وَلا تُجادِلُوا أَهْلَ الْکِتابِ إِلّا بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ»؛ «۲»

و با اهل کتاب، جز به نیکوترین روش مجادله نکنید.

بنابر آن چه گذشت، روشن می‌شود که جدال، گاه حق و گاه باطل است، چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

«وَيُجادِلُ الَّذينَ كَفَرُوا بِالْباطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ»؛ «۳»

---

(۱). سوره نحل: آیه ۱۲۵.

(۲). سوره عنکبوت: آیه ۴۶.

(۳). سوره کهف: آیه ۵۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۲۳

کفرورزان با سخنان بیهوده و باطل مجادله می‌کنند تا حق را به وسیله آن پایمال کنند.

قرآن کریم و تعلیم روش استدلال ... ص: ۲۳

خداوند متعال در برخی آیات قرآن، روش استدلال را به پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله می‌آموزد. برای مثال در سوره یس چنین آمده است:

«وَضَرَبَ لَنا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظامَ وَهِيَ رَميمٌ* قُلْ يُحْييهَا الَّذى أَنْشَأَها أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَليمٌ* الَّذى جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نارًا فَإِذا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ* أَ وَلَيْسَ الَّذى خَلَقَ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ بِقادِرٍ عَلى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلى وَهُوَ الْخَلّاقُ الْعَليمُ* إِنَّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ* فَسُبْحانَ الَّذى بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»؛ «۱»

و برای ما مَثَلی زد و آفرینش خود را از یاد برد و گفت: کیست آن که این استخوان‌های پوسیده را زنده می‌کند؟ بگو: آن کسی آن‌ها را زنده می‌کند که نخستین بار آن‌ها را حیات بخشید و او به هر آفرینشی دانا است. همان کسی که برای شما از درخت سبز آتش قرار داد تا وقتی بخواهید از آن آتش بیفروزید. آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، قادر نیست همانند آنان را بیافریند؟

---

(۱). سوره یس: آیه‌های ۷۸- ۸۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۲۴

آری، البته قادر است و او آفریننده داناست. فرمان او چنین است که هر گاه چیزی را اراده کند به محض این که می گوید: «موجود باش» فوری، موجود می‌شود. پس پاک و منزّه است خدایی که مالکیّت هر موجودی به دست قدرت اوست و به سوی او باز گردانده می‌شوید.

در سوره بقره نیز این گونه می‌خوانیم:

«وَقالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلّا مَنْ كانَ هُودًا أَوْ نَصارى تِلْكَ أَمانِيُّهُمْ قُلْ هاتُوا بُرْهانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ»؛ «۱»

(یهودی‌ها) گفتند: هرگز جز یهود و نصارا به بهشت داخل نخواهد شد، (ای پیامبر! بگو:) این آرزوی آن‌ها است. بگو: دلیل و برهان خود را بیاورید، اگر راست می گویید.

در آیه دیگری از سوره بقره می‌خوانیم:

«قُلْ إِنْ كانَتْ لَكُمُ الدّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خالِصَةً مِنْ دُونِ النّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ»؛ «۲»

(ای پیامبر!) بگو: اگر خداوند سرای آخرت را تنها برای شما اختصاص داده نه به دیگر مردم، پس تمنّای مرگ کنید اگر راست می گویید.

در سوره مائده می‌فرماید:

---

(۱). سوره بقره: آیه ۱۱۱.

(۲). همان: آیه ۹۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۲۵

«لَقَدْ كَفَرَ الَّذينَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَميعًا* وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَما بَيْنَهُما يَخْلُقُ ما يَشاءُ وَاللَّهُ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ»؛ «۱»

همانا کافر شدند آن‌هایی که گفتند: به راستی خدا، همان مسیح بن مریم است. (ای پیامبرا) بگو: کدام قدرت می‌تواند کسی را از قهر و قدرت خدا نگه دارد، اگر بخواهد عیسی بن مریم و نیز مادرش مریم و هر که در روی زمین است همه را هلاک گرداند؟ آسمان‌ها و زمین و هر چه در بین آن‌هاست همه ملک خداست و هرچه را بخواهد می‌آفریند و خدا بر هر چیز تواناست.

در جای دیگری از سوره مائده آمده است:

«وَقالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصارى نَحْنُ أَبْناءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ»؛ «۲»

یهود و نصارا گفتند: ما پسران خدا و دوستان او هستیم؛ بگو: اگر چنین است پس چرا شما را به گناهانتان عذاب می‌کند؛ بلکه شما بشری هستید از آفریدگان او...

---

(۱). سوره مائده: آیه ۱۷.

(۲). همان: آیه ۱۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۲۶

در سوره انعام می‌خوانیم:

«قُلْ أَ نَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لايَنْفَعُنا وَلا يَضُرُّنا»؛ «... ۱»

بگو: آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم که نه سودی به حال ما دارد و نه زیانی به ما می‌رساند؟

در سوره انبیا می‌فرماید:

«أَمِ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ* لَوْ كانَ فيهِما آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتا ... أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هاتُوا بُرْهانَكُمْ هذا ذِكْرُ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلي»؛ «۲»

آیا آن‌ها معبودهایی از همین زمین برگزیدند و آن‌ها را جان آفرین پندارند که اگر در آسمان و زمین جز خدای یکتا، خدایان دیگری بود همانا نظام جهان هستی به هم می‌خورد...

آیا آن‌ها معبودهایی جز او برگزیدند؟ بگو: برهانتان را بیاورید. این سخن همراهان من و سخن کسانی است که پیش از من بودند ...

قرآن کریم و استدلال‌های پیامبران پیشین ... ص: ۲۶

افزون بر این، موارد بسیاری از مجادلات و استدلال‌های پیامبران پیشین، در قرآن ذکر شده است. برای مثال، خدای متعال درباره

---

(۱). سوره انعام: آیه ۷۱.

(۲). سوره انبیا: آیه‌های ۲۱- ۲۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۲۷

سرگذشت حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید:

«أ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذى حَاجَّ إِبْراهيمَ فى رَبِّهِ أَنْ آتاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قالَ إِبْراهيمُ رَبِّىَ الَّذى يُحْيى وَيُميتُ قالَ أَنَا أُحْيى وَأُميتُ قالَ إِبْراهيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتى بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِها مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذى كَفَرَ وَاللَّهُ لايَهْدِى الْقَوْمَ الظَّالِمينَ»؛ «۱»

آیا ندیدی کسی که خدا حکومتی به او داده بود با ابراهیم درباره پروردگارش جدل و گفت و گو کرد؛ آن گاه که ابراهیم گفت: خدای من کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند؛

گفت: من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم.

ابراهیم گفت: خداوند خورشید را از طرف مشرق می‌آورد، تو آن را از مغرب بیاور!

پس آن کافر، بهت زده از پاسخ واماند و خداوند ستمکاران را راهنمایی نمی‌کند.

خداوند در جای دیگری می‌فرماید:

«وَحاجَّهُ قَوْمُهُ قالَ أ تُحاجُّونّى فِى اللَّهِ وَقَدْ هَدانِ وَلاـ أَخافُ ما تُشْرِكُونَ بِهِ إِلّا أَنْ يَشاءَ رَبّى شَيْئًا وَسِعَ رَبّى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أ فَلا تَتَذَكَّرُونَ»؛ «۲»

---

(۱). سوره بقره: آیه ۲۵۸.

(۲). سوره انعام: آیه ۸۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۲۸

و قوم او (ابراهیم) بـا وی به گفت و گو و ستیز پرداختنـد. گفت: آیـا با من درباره خـدا گفت و گو می‌کنیـد؟ و حال آن که به واقع خـدا مرا هـدایت کرده و از آن چـه شـما شـریک او می‌خوانیـد هیـچ بیمی نـدارم مگر آن که پروردگـارم چیزی بخواهـد، آگـاهی پروردگار من همه چیز را دربرمی‌گیرد؛ آیا شما متذکر این حقیقت نمی‌شوید؟

در سوره انبیا می‌فرماید:

«قالُوا ءَ أَنْتَ فَعَلْتَ هـذا بِآلِهَتِنا يا إِبْراهيمُ* قالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبيرُهُمْ هـذا فَسْئَلُوهُمْ إِنْ كانُوا يَنْطِقُونَ* فَرَجَعُوا إِلى أَنْفُسِـهِمْ فَقالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ* ثُمَّ نُكِسُوا عَلى رُؤُسِـهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ ما هؤُلاءِ يَنْطِقُونَ* قالَ أ فَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لايَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلا يَضُـرُّكُمْ* أُفٍّ لَكُمْ وَلِما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أ فَلا تَعْقِلُونَ»؛ «۱»

گفتند: ای ابراهیم! آیا تو این کار را با خدایان ما چنین کرده‌ای؟

گفت: بلکه این کار را بزرگ آن‌ها (بت‌ها) کرده است. از آن‌ها بپرسید اگر سخن می گویند.

آن‌ها با خود فکر کردند و با خود گفتند: به راستی که شما ستمکارید.

سپس همه سر به زیر شدند و گفتند: تو می‌دانی که این‌ها سخن نمی گویند.

---

(۱). سوره انبیا: آیه‌های ۶۲- ۶۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۲۹

(ابراهیم) گفت: آیا جز خـدای یکتا چیزی را می‌پرستید که نه سودی برای شـما دارد و نه زیانی به شـما می‌رساند؟ اف بر شـما و بر آن چه جز خدای یکتا می‌پرستید. آیا نمی‌اندیشید؟

هم‌چنین در مورد حضرت نوح علیه السلام در قرآن کریم این گونه می‌خوانیم:

«قالَ يا قَوْمِ أ رَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبّى وَآتانى رَحْمَـةً مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أ نُلْزِمُكُمُوها وَأَنْتُمْ لَها كارِهُونَ ... قالُوا يا نُوحُ

قَدْ جادَلْتَنا فَأَكْثَرْتَ جِدالَنا »؛ «... ۱»

گفت: ای قوم من! اگر من (نوح) دلیل روشنی از پروردگار داشته باشم و از نزد خود حجتی به من داده باشد و بر شما پوشیده مانده، آیا ما می‌توانیم شما را به پذیرش آن مجبور سازیم با این که شما کراهت دارید...؟

گفتند: ای نوح! تو با ما گفت و گو و جدل بسیار کردی...

البته درباره دیگر پیامبران نیز، آیات مشابهی در قرآن کریم یافت می‌شود.

---

(۱). سوره هود: آیه‌های ۲۸- ۳۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۳۰

جدل حق: استفاده از حجّت معتبر ... ص: ۳۰

خداوند از «جدال باطل» به «جدال عاری از برهان» تعبیر کرده و می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذینَ یُجادِلُونَ فی آیاتِ اللَّهِ بِغَیْرِ سُلْطانٍ أَتاهُمْ إِنْ فی صُدُورِهِمْ إِلّا کِبْرٌ ما هُمْ بِبالِغیهِ»؛ «۱»

آنان که در آیات خدا بدون دلیل و برهانی که برای آن‌ها آمده باشد، ستیزه جویی می‌کنند جز تکبر، چیزی در دل ندارند که به خواسته دل خود نخواهند رسید.

در این آیه کلمه «سلطان» به معنای «حجّت» است؛ چرا که حجّت، دل‌ها را به سیطره و تسلّط خود وامی‌دارد. «۲» از آن چه گذشت، روشن می‌شود که «جدال حق» به معنای «جدال برهانی» است.

اما باید گفت که «برهان» تنها در صورتی دل‌ها را تسخیر می‌کند که به تعبیر قرآن کریم «بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ»؛ «۳»

«به بهترین روش» انجام شود؛ به همین جهت است که خداوند، استفاده از نیکوترین روش را

---

(۱). سوره غافر: آیه ۵۶.

(۲). ر. ک: المفردات فی غریب القرآن: ۲۴۴، مادّهٔ «سلط».

(۳). سوره نحل: آیه ۱۲۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۳۱

توصیه می‌کند و همین طریق، به آداب بحث، مناظره و جدل اشاره دارد...

گفتنی است که در منابع تفسیری «نیکوترین روش» این گونه تفسیر شده: روشی که نتیجه بخش‌تر و سودمندتر باشد «... ۱» و این تفسیر، تفسیری صحیح است که با موارد استعمال عبارت «نیکوترین روش» در قرآن کریم تناسب دارد، چنان که در موردی این واژه به همین معنا به کار رفته است. خدای متعال در جایی می‌فرماید:

«وَلا تَقْرَبُوا مالَ الْیَتیمِ إِلّا بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ حَتَّی یَبْلُغَ أَشُدَّهُ»؛ «۲»

به مال یتیم، نزدیک نشوید مگر به نیکوترین روش تا آن که به حدّ بلوغ برسد.

بدین معنا که باید به گونه‌ای، به مال یتیم نزدیک شوید که برای او سودمندتر باشد. «۳» در سوره اسراء نیز به همین معنا به کار رفته است. آن جا که می‌فرماید:

---

(۱). برای آگاهی از عبارات نزدیک به این عبارت ر. ک: تفسیر الکشّاف: ۲/ ۴۳۵، تفسیر البحرالمحیط: ۵/ ۵۴۹، تفسیر الطبری: ۱۰/

.۱۴۱

(۲). سوره انعام: آیه ۱۵۲، سوره اسراء: آیه ۳۴.

(۳). ر. ک: تفسیر الطبری: ۵/ ۳۹۳، مجمع البیان: ۴/ ۱۸۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۳۲

«وَقُلْ لِعِبادی یَقُولُوا الَّتی هِیَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّیْطانَ یَنْزَغُ بَیْنَهُمْ»؛ «۱»

و به بندگانم بگو: همیشه سخن بهتر را بر زبان آرند؛ چرا که شیطان میان آن‌ها فتنه و فساد می‌نماید.

بدین معنا که مؤمنان باید به گونه‌ای با مشرکان سخن بگویند که اهداف شیطان مبنی بر وقوع درگیری میان مؤمنان و مشرکان، محقّق نشود «... ۲» بنابراین، خداوند متعال از مؤمنان می‌خواهد که جدال خود را به اموری مجهّز کنند که آنان را در استدلال، قانع کردن دشمنان و پیروزی حق بر باطل، یاری نماید.

کوتاه سخن این که شرع و عقل، جدالی را می‌پذیرند که با حجّت معتبر و رعایت آداب مجادله باشد...

حجّت معتبر: کتاب و سنّت ... ص: ۳۲

همه مسلمانان «قرآن کریم» و «سنّت نبوی» را حجّت معتبر می‌دانند؛ به گونه‌ای که مسلمانان در همه مسائل اختلافی و بحث برانگیز، به کتاب و سنّت، رجوع می‌کنند؛ این روش عمل به دستور خداوند متعال است، آن جا که می‌فرماید:

---

(۱). سوره اسراء: آیه ۵۳.

(۲). ر. ک: تفسیر الکشّاف: ۲/ ۴۵۳، تفسیر البحر المحیط: ۶/ ۴۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۳۳

...« فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فی شَیْ‌ءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللَّهِ وَالرَّسُولِ»؛ «۱»

...و آن گاه که در امری نزاع داشتید، حکم آن را به خدا و رسول بازگردانید.

در آیه دیگری می‌فرماید:

«فَلا وَرَبِّکَ لایُؤْمِنُونَ حَتَّی یُحَکِّمُوکَ فیما شَجَرَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ لا یَجِدُوا فی أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَیْتَ وَیُسَلِّمُوا تَسْلیمًا»؛ «۲»

به پروردگارت سوگند که آن‌ها ایمان نخواهند آورد مگر این که در خصومت و نزاعشان تنها تو را به داوری طلبند و آن گاه از داوری تو هیچ گونه اعتراضی در دل نداشته باشند و به طور کامل تسلیم باشند.

در آیه دیگری از قرآن کریم می‌خوانیم:

«وَما کانَ لِمُؤْمِنٍ وَلا مُؤْمِنَةٍ إِذا قَضَی اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ یَکُونَ لَهُمُ الْخِیَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ»؛ «۳»

و هیچ مرد و زن مؤمنی حق ندارد آن گاه که خدا و رسول او به امری حکم کنند اختیاری داشته باشد.

بنابراین، امّت اسلامی باید تمامی نزاع‌ها و اختلافات خود را به

---

(۱). سوره نساء: آیه ۵۹.

(۲). همان: آیه ۶۵.

(۳). سوره احزاب: آیه ۳۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۳۴

«خدا و رسول» ارجاع دهند و هیچ کدام «در کاری که خدا و رسول او حکم کنند، اراده و اختیاری ندارند».

فراتر این که «به پروردگارت سوگند» که هیچ یک «ایمان نخواهند آورد» مگر آن که پیامبر را داور قرار دهند و درباره حکم پیامبر «هیچ گونه اعتراضی در دل نداشته باشند و به طور کامل، تسلیم باشند».

آری، رجوع به قرآن کریم، آن چنان روشن است که نمی‌توان در مورد آن تردیدی به دل راه داد؛ چرا که به تعبیر قرآن، این کتاب آسمانی «لِسانٌ عَرَبِیٌّ مُبینٌ»؛ «۱»

به «زبان عربی روشن» نازل شده است و در صورت امکانِ فهم معانی الفاظ قرآن- حتّی از طریق مراجعه به فرهنگ‌های لغت و کتاب‌های مخصوص شرح معانی الفاظ قرآن- باید به قرآن رجوع نمود و هم‌چنین، باید سنّت پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله را- که برای هدایت امّت مبعوث شده است- ملاک عمل قرار داد.

از طرف دیگر، مسلمانان به سنّت معتبر نبوی، نیازمند هستند؛ چرا که سنّت نبوی، دومین منبع حقّ و حقیقت به شمار می‌آید و برای فهم الفاظ مبهم قرآنی، شناخت قیود یک عبارت مطلق، یا تخصیص زننده‌هایی که در مورد آیات در ظاهر عام وجود دارند و،...

---

(۱)

. سوره نحل: آیه ۱۰۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۳۵

باید به سنّت نبوی رجوع کرد.

بنابراین، کتاب و سنّت، «حجّت معتبر» در عرصه جدال به شمار می‌آیند.

البتّه هیچ تردیدی در حجّیت کتاب وجود ندارد و مسلمانان در تصدیق کتاب و احتجاج به آن در اختلافات، اتّفاق نظر دارند.

هم‌چنین حجّیت سنّت و لزوم تصدیق و احتجاج به آن در همه مسائل، مورد اجماع و اتفاق نظر مسلمانان است، اما همان گونه که روشن است مسلمانان در شیوه اثبات سنّت، با یک‌دیگر اختلاف دارند...

بنابراین، «مجادله کننده» باید به آن بخش از سنّت نبوی احتجاج نماید که برای طرف مقابل، حجیّت داشته باشد...

به سخن دیگر، احتجاج مسلمانان با یک‌دیگر در بیشتر موارد با محوریت قرآن و سنّت، انجام می‌پذیرد. حجّیّت قرآن، مورد اجماع و اتفاق نظر همه مسلمانان است، امّا در مورد سنّت، این چنین نیست؛ به گونه‌ای که بخش‌هایی از سنّت، مورد تصدیق همه مسلمانان است و مرجع حل اختلافات به شمار می‌آید. در مقابل، بخش‌های دیگری از سنّت، محل اختلاف است که در این حالت، هر یک از فرقه‌های اسلامی باید به بخش‌های مورد تأیید طرف مقابل، احتجاج نمایند؛ چرا که در غیر این صورت احتجاج آنان، حجّت معتبر، تلقّی نمی‌شود.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۳۶

آری، همه مسلمانان به این مسأله اذعان دارند که در این جا به ذکر اظهارات یکی از علمای مشهور، بسنده می‌کنیم.

ابن حزم اندلسی درباره احتجاج اهل سنّت علیه امامیّه می‌نوسید:

نباید در احتجاج علیه شیعیان از روایات اهل سنّت، استفاده نمود؛ چرا که آنان، روایات ما را قبول ندارند. هم چنان که احتجاج شیعیان علیه ما در پرتو روایات شیعی، معنایی ندارد؛ زیرا که ما روایات آنان را قبول نداریم.

بنابراین، طرف‌های منازعه باید به اموری احتجاج کنند که طرف مقابل، آن را قبول داشته باشد؛ خواه خود احتجاج کننده، آن امور را باور داشته و خواه، باور نداشته باشد؛ زیرا لازمه تصدیق یک امر، باور داشتن آن یا باور داشتن به امری است که علم یقینی آن را موجب می‌شود. در این صورت تمسّک یک فرد به اعتقادات باطل خود- با وجود پذیرش نادرستی باور خود- نشانه لجاجت و

افسار گسیختگی وی محسوب می گردد. «۱» بنابراین، در «جدال حق» باید از چنین «حجّت معتبری» بهره گرفت.

---

(۱). الفصل فی الملل والأهواء والنحل: (۳/ ۱۲): لا ـ معنی لاحتجاجنا علیهم بروایاتنا، فهم لا یصدّقونها، ولا معنی لاحتجاجهم علینا بروایاتهم، فنحن لا نصدّقها...

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۳۷

نگاهی به آداب مناظره و جدل ... ص: ۳۷

در جدلِ مبتنی بر حقیقت کاوی و حق طلبی، هر دو طرف منازعه علاوه بر استفاده از حجّت معتبر، باید آداب مناظره و جدل را مراعات نمایند. اکنون مهم‌ترین آداب مناظره را که در قرآن کریم با عبارت «بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ» «۱»
بدان اشاره شده، بیان می‌نماییم. در صورتی که بحث و جدل نوشتاری باشد رعایت آداب ذیل ضروری است:

۱. هر دو طرف، باید با رعایت کامل مدارا، آرامش و وقار، دیدگاه و حجّت معتبر خود را ارائه نمایند.

۲. هر دو طرف، بایستی از الفاظ روشن و عبارات زیبا برای بیان مقصود خود استفاده نمایند.

۳. هر دو طرف، بایستی ازبد گویی و دشنام بپرهیزند.

۴. هر دو طرف، باید از روش‌های پیچیده و خروج از موضوع بحث- که سازمان فکری طرف مقابل را به هم می‌ریزد- خودداری کنند.

۵. هر دو طرف، باید از افزودن یا کاستن از سخنان طرف مقابل، بپرهیزند و از انتساب باورها یا حجّت های موهوم به وی، خودداری کنند.

---

(۱)

. سوره نحل: آیه ۱۲۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۳۸

امّا در صورت گفتاری بودن بحث و جدل، آداب دیگری نیز بدان افزوده می گردد از جمله این که:

۱. طرفین مناظره نباید سخن یکدیگر را قطع نمایند.

۲. طرفین نباید صدای خود را بیش از حدّ معمول بالا ببرند و...

از آن چه که گذشت، روشن می‌شود که جدل به دو نوع حق و باطل، تقسیم می‌شود و جدل حق، بدین معناست که ضمن رعایت آداب و اخلاق والای نیکو، از حجّت معتبر و مورد قبول دو طرف یا طرف مقابل نیز استفاده گردد. اکنون این پرسش‌ها مطرح‌اند:

آیا علمِ جدل، همان علم مناظره است؟

آیا علمِ جدل، در پی کشف راه‌های ابطال و نقض استدلال‌های رقیب است؟

و آیا علمِ جدل، آداب بحث و مناظره را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد؟

علما درباره این مسائل، اختلاف نظر دارند، البته ما در آغاز بحث- که مبتنی بر آیات قرآن بود- در پی پاسخ گویی به این پرسش‌ها نبوده‌ایم؛ هم‌چنین ما در مباحث این کتاب، تفاوتی میان «جدل»، «احتجاج» و «مناظره» قائل نیستیم و خوانندگان محترم نیز نباید این موضوع را نادیده بگیرند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۴۱

بخش دوم جدل‌در علم کلام ... ص: ۴۱

دانشمندان اسلامی و تعریف علم کلام ... ص: ۴۱

اشارهٔ

همـان گونه که اشـاره شـد، علمِ جـدل به موضوع یـا مطلب معیّنی، اختصاص نـدارد؛ بلکه در انواع موضوعات اختلافی هماننـد فقه، حدیث، فلسفه، اقتصاد، سیاست و دیگر علوم، به کار گرفته می‌شود.

به این ترتیب که هر دو صـاحب نظر، برای اثبـات ادعـا یا دیـدگاه خود، حجّت معتبری را ذکر می‌کننـد و آن گاه بر اساس قواعـد و اصول موضوعه، به مناظره با یک‌دیگر می‌پردازند تا حق از باطل و درست از غلط، مشخص گردد.

«علم کلام» از جمله علومی است که مجادلات فراوانی پیرامون مسائل آن، صورت پذیرفته است.

به نظر می‌رسـد که علما در تعریف و فایـده علم کلام و نیز هـدف از پایه گـذاری آن، اختلاف نظر عمـده‌ای ندارنـد. برای نمونه به دیدگاه چند تن از دانشمندان اشاره می‌نماییم.

قاضی ایجی ... ص: ۴۲

قاضی عضدالدین ایجی «۱» درگذشته سال ۷۵۶ هجری در این باره می‌گوید:

کلام، علمی است که از طریق احتجاج و دفع شبهات، اثبات عقاید دینی را میسّر می‌سازد.

او در ادامه می‌گوید: فواید علم کلام، عبارتند از:

۱. رهایی از بند تقلید و دستیابی به اوج یقین.

۲. راهنمایی هدایت جویان از طریق آشکار نمودن مسیر، و مجبور کردن معاندان به ارائه برهان.

۳. پاس داری از اصول دین در برابر شبهات دروغگویان.

۴. بنیان نهادن علوم شرعی بر پایه علم کلام؛ چرا که این علم، پایه

---

(۱). نـام کامـل او عضدالـدین ابوالفضـل عبـدالرحمان بـن احمـد بن عبـدالغفّار بن احمـد ایجی‌شـیرازی شـافعی است که به منصب قضاوت، اشتغال داشت، وی پس از سال هفتصد هجری در «ایج» از توابع شیراز به دنیا آمد و در علم اصول، معانی، بیان، نحو، فقه و کلام تبحّر یافت. از تألیفات وی می‌توان به الرسالـهٔ العضدیهٔ فی الوضع، جواهر الکلام، الفوائد الغیاثیه، شـرح مختصـر ابن الحاجب و المواقف فی علم الکلام، اشاره نمود. ایجی به سال ۷۵۶ ه در حالی که در قلعه «دریمیان» زندانی بود، درگذشت. برای آگاهی بیشتر در ایـن زمینه ر. ک: طبقـات الشافعیـهٔ الکـبری- اثر سـبکی-: ۱۰/ ۴۶، شـماره ۱۳۶۹، الـدرر الکامنه: ۲/ ۱۹۶، شـماره ۲۲۷۹، معجم المؤلّفین: ۲/ ۷۶، شماره ۶۷۵۶، الأعلام: ۳/ ۲۹۵.

و اساس علوم شرعی محسوب می‌شود.

۵. تصحیح نیّت‌ها و عقیده‌هایی که پذیرش اعمال، به آن بستگی دارد.

هدف نهایی از این موارد نیل به سعادت دنیا و جهان آخرت است. «۱»

سعدالدین تفتازانی «۲ ...» ص: ۴۳

سعدالدین تفتازانی در این باره می‌نویسد:

علم به عقاید دینی بر اساس ادلّه یقینی را علم کلام می‌نامند.

هدف این علم، آراسته کردن ایمان به یقین است و دستیابی به شیوه

---

(۱). المواقف فی علم الکلام: ۷ و ۸.

(۲). نام کامل وی سعدالدین مسعود بن عمر بن عبداللّه تفتازانی است که به سال ۷۱۲ و به قولی ۷۳۳ هجری در تفتازان به دنیا آمد. تفتازان، روستایی بزرگ از توابع نَسا- یکی از شهرهای خراسان- است که در پشت کوه قرار دارد. تفتازانی از جمله پیشوایان زبان عربی، بیان و منطق بود و در فقه، اصول، تفسیر و کلام نیز تبحّر داشت.

وی کتاب‌های فراوانی را به رشته تحریر در آورد که از جمله آن‌ها می‌توان به تهذیب المنطق، المطوّل فی البلاغة، حقائق التنقیح فی الأصول، حاشیة علی تفسیر الکشّاف، زمخشری، شرح العقائد النسفیّة و شرح المقاصد، اشاره نمود. تفتازانی به سال ۷۹۲ و به قولی ۷۹۱ یا ۷۹۳ هجری در سمرقند، وفات یافت. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک: الدرر الکامنة: ۴/ ۲۱۴، شماره ۴۹۳۳، معجم البلدان: ۲/ ۴۱، شماره ۲۵۴۵ و ج ۵/ ۳۲۵، شماره ۱۱۹۹۷، البدر الطالع: ۲/ ۱۶۴، شماره ۵۴۸، معجم المؤلّفین: ۳/ ۸۴۹، شماره ۱۶۸۵۶، الأعلام: ۷/ ۲۱۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۴۴

زندگی و نجات از عذاب اخروی، فایده این علم محسوب می‌شود. «۱»

فیاض لاهیجی «۲ ...» ص: ۴۴

فیّاض لاهیجی از علمای شیعه و شارح التجرید در کتاب شوارق الإلهام فی شرح تجرید الکلام، هر دو تعریف فوق را ذکر می‌کند. «۳» بنابراین، هدف علمای اسلام از تأسیس علم کلام این بوده که «به نیکوترین روش»، به اثبات اصول دین از طریق ارائه حجّت معتبر عقلی و نقلی، بپردازند تا هدایت جویان را راهنمایی کنند، معاندین را محکوم نمایند و از قواعد دینی در برابر شبهات دروغگویان، پاسداری

---

(۱). شرح المقاصد فی علم الکلام: ۱/ ۱۶۳ و ۱۷۵.

(۲). نام کامل وی، شیخ عبدالرزّاق بن علی بن حسین لاهیجی گیلانی، ملقب به فیّاض است. لاهیجی از علمای محقّق، دقیق و حکیم در علم کلام بود که در قم تدریس می‌کرد. وی از شاگردان مولی صدرالدین محمّد شیرازی و داماد ایشان بود. از تألیفات لاهیجی می‌توان به شوارق الأنوار و بوارق الأسرار فی الحکمه، الکلمات الطیّبه فی المحاکمة بین ملاصدرا وبین المیرداماد، دیوان شعر فارسی، حواش علی حاشیة الخضری و شوارق الإلهام فی شرح تجرید الکلام، نام برد. گفته‌اند که لاهیجی به سال ۱۰۵۱ هجری درگذشت، اما آقابزرگ تهرانی، آن را اشتباه دانسته و سال وفات او را سال ۱۰۷۲ هجری می‌داند.

برای آگاهی بیشتر در احوالات او ر. ک: ریاض العلماء: ۳/ ۱۱۴، أعیان الشیعة: ۷/ ۴۷۰، طبقات أعلام الشیعة: ۲/ ۱۴۱، شماره ۷۱۸۵، الأعلام: ۳/ ۳۵۲.

(۳). شوارق الإلهام: ۱/ ۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۴۵

کننـد؛ چرا که عقاید دینی، پایه و اساس علوم شرعی و احکام عملی به شمار می‌آید و به همین جهت، صحّت عقاید دینی موجب قبولی اعمالی شرعی می‌شود. چگونه ممکن است که اعمال مبتنی بر عقاید باطل و نیز اعمال آنان که به دین خود شک دارند، مورد قبول واقع شود؟!

بنابراین، علم کلام- با توجّه به موضوع آن- یکی از مهم‌ترین علوم ضروری برای امّت اسلامی محسوب می‌شود؛ چرا که این علم، واجبات اعتقادی مکلّفین را روشن می‌سازد؛ درست همان گونه که علم فقه، واجبات و منهیّات عملی مکلّفین را در اختیار آنان می گذارد؛ با این تفاوت که تقلید در فقه جایز است، امّا در کلام، جایز نیست.

و از طرفی همان گونه که بقای احکام فرعی شریعت مقدّس اسلام، در گرو علم فقه و تلاش‌های فقهاست، پاسداشت اصول اعتقادی نیز از رهگذر علم کلام و آثار متکلّمان، حاصل می‌شود.

پر واضح است که آگاهی انسان از دلیل‌ها و برهان‌های مرتبط با اعتقادات صحیح و به حق، موجبات دفاع از این عقاید و پاسخ گویی به شبهات مطرح شده پیرامون آن را فراهم می‌آورد و بالاتر این که، ترویج نوشتاری و گفتاری عقاید مذکور را نیز میسّر می‌سازد...

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۴۶

اصول دین و کتاب‌های امامیه ... ص: ۴۶

گفتنی است که توجّه فراوان علما به علم کلام، از ضرورت فوق نشأت می گیرد؛ به گونه‌ای که مذاهب مختلف اسلامی، کتاب‌های بسیاری را با محوریت علم کلام به رشته تحریر درآورده‌اند...

اکنون برخی کتاب‌های علمای امامیه درباره اصول دین را- که در سده‌های مختلف به نگارش درآمده است- نام می‌بریم:

۱. أوائل المقالات: اثر شیخ ابوعبداللّه محمّد بن محمّد بن نعمان بغدادی، ملقّب به مفید، متوفّای سال ۴۱۳.

۲. الذخیرة فی علم الکلام: نوشته سیّد مرتضی علم الهدی علی بن حسین موسوی بغدادی، متوفّای سال ۴۳۶.

۳. تقریب المعارف: به قلم شیخ ابوصلاح تقی الدّین حلبی، متوفّای سال ۴۴۷.

۴. کنز الفوائد: اثر شیخ ابوالفتح کراجکی، متوفّای سال ۴۴۹.

۵. الاعتقاد الهادی إلی طریق الرّشاد: نوشته شیخ ابوجعفر طوسی، متوفّای سال ۴۶۰.

۶. الاعتصام فی علم الکلام: به قلم شیخ زین الدین علی بن عبدالجلیل بیاضی از دانشمندان قرن ششم.

۷. المنقذ من التقلید: اثر شیخ سدیدالدین محمود حمصی رازی از

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۴۷

علمای قرن ششم.

۸. تجرید الاعتقاد: نوشته شیخ نصیرالدّین محمّد بن محمّد طوسی، درگذشته سال ۶۷۲.

۹. المسلک فی أصول الدین: به قلم شیخ نجم الدّین ابوالقاسم جعفر بن حسن، محقّق حلّی، متوفّای ۶۷۶.

۱۰. قواعد المرام فی علم الکلام: اثر شیخ کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، متوفّای سال ۶۷۹.

۱۱. مناهج الیقین فی أصول الدین.

۱۲. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد.

۱۳. نهج الحقّ وکشف الصّدق.

۱۴. نهج المسترشدین فی أصول الدین.

۱۵. الباب الحادی عشر فی اصول الدین.

پنج کتاب اخیر، اثر شیخ ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهّر حلّی درگذشته ۷۲۶ است که علاوه بر آن، کتاب‌های دیگری را نیز درباره اصول دین به رشته تحریر درآورده است.

اصول دین و کتاب‌های اهل سنّت ... ص: ۴۷

از مشهورترین کتاب‌های اهل سنّت درباره اصول دین، می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره نمود:

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۴۸

۱. تمهید الأوائل: اثر باقلانی.

۲. الأربعین فی أصول الدین: نوشته فخر رازی.

۳. العقائد: تألیف نسفی.

۴. شرح العقائد النسفیهٔ: به قلم تفتازانی.

۵. المواقف فی علم الکلام: اثر ایجی.

۶. شرح المواقف: تألیف شریف جرجانی.

۷. شرح المقاصد: نوشته تفتازانی.

۸. الإبانهٔ عن أصول الدیانهٔ: به قلم اشعری.

۹. بحر الکلام: اثر نسفی.

۱۰. الصحائف: تألیف سمرقندی.

۱۱. طوالع الأنوار: نوشته بیضاوی.

۱۲. زبدهٔ الکلام: نگارش صفی الدین هندی ارموی.

۱۳. أبکار الأفکار: اثر آمدی.

۱۴. مشارق النّور: تألیف عبدالقادر بغدادی.

۱۵. شرح التجرید: نوشته علاء قوشجی.

موضوعات کتاب‌های اصول دین ... ص: ۴۹

اشارهٔ

موضوعات کتاب‌های اصول دین، در اصل عبارتند از: اثبات آفریدگار و صفات او، مسائل مربوط به عدل، نبوّت، امامت و معاد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۴۹

هر چند متکلّمان در کتاب‌های خود درباره اصول دین، شیوه‌های متفاوتی را در پیش گرفته‌اند، امّا روش متعارف آنان، این است که ابتدا برخی مسائل مربوط به «معلوم» را به عنوان مقدّمه، ذکر نموده و آن را به موجود و معدوم، تقسیم می‌کنند؛

آن گاه موجود را به ممکن و واجب، و ممکن را به جوهر و عرض، تقسیم می‌نمایند و احکام و اقسام جوهر و عرض را بیان می‌دارند.

متکلّمان در مرحله بعد به اثبات واجب الوجود می‌پردازند و آن گاه صفات واجب الوجود همانند قدرت، علم، حیات، اراده،

ادراک، تکلّم و ... و نیز صـفات ممتنع وی را هم‌چون همانندی با غیر، مرکّب بودن، مکان داشتن، ظهور امور حادث در وی، محال بودن رؤیت او از سوی غیر و ... بحث و بررسی می کنند...

متکلّمان در ادامه وارد مسائل مربوط به عدل می‌شوند و به بررسی مسأله حُسن و قُبح عقلی، جبر و اختیار و ... می‌پردازند.

آن گاه نوبت به مباحث نبوّت و صـفات پیامبر هم‌چون عصـمت و نظیر آن می‌رسد و آن گاه مسأله امامت را بررسـی می‌نمایند؛ این جاست که همه مسائل اختلافی پیرامون امامت و امام پس از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله مطرح می‌شود.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۵۰

متکلّمان در مرحله بعد، موضوع معاد و مسائل فراوان آن را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند...

آیا علم کلام از عوامل شکست‌های ماست ...؟ ص: ۵۰

با عنایت به جایگاه علم کلام در اسـلام و میزان تأثیر آن در پاسـداشت دین و شـریعت مقدّس اسـلامی ضـرورت یادگیری، تحوّل و گسـترش این علم، آشـکار می گردد. اکنـون این پرسـش مطرح است که بـا این اوصـاف چگونه می‌توان گفت علم کلاـم از عوامل شکست‌های مسلمانان در برابر دشمنان اسلام، قرار دارد؟!

علم کلام می‌تواند در شـمار بهترین عوامل وحدت اسـلامی و پایداری و مقاومت در برابر دشـمنان قرار گیرد به شرط آن که اصول اعتقـادی بر پـایه حقّ، کتاب، سنّت صـحیح و عقل سـلیم بنا نهاده شود، بحث در زمینه همه مسائل اعتقادی مورد اختلاف، با هـدف دستیـابی به حقیقت و واقعیت، انجـام پـذیرد و طرف‌های مباحثه- به ویژه در مرحله اقامه برهان علیه یک‌دیگر- به عـدالت، انصاف، اخلاق فاضـله و اصول مناظره و مباحثه، پایبند باشند؛ خداوند نیز در اشاره به همین اصول و رفتارهاست که مجادله بر اساس «بهترین روش» را مورد تأکید قرار می‌دهد.

البتّه انتخاب «غلبه بر رقبا» – حتّی به قیمت فحش و ناسزا- به

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۵۱

عنوان هدف علم کلام و به کارگیری آن، روشـی بیهوده تلقی می‌شود که پراکندگی صـفوف مسلمانان و شکست در برابر دشمنان را به ارمغان خواهد آورد.

بنابراین، اعتقاد بی‌قید و شرط به این که «اسلوب علم کلام از گذشته تا حال ناکام بوده» و این علم به عنوان «یکی از عوامل شکست مسلمانان است»، «۱» صحیح نیست.

خلاصه این که، علم کلام در زمره علوم اساسی اسلامی قرار می گیرد و این علم هیچ گاه به عنوان عامل ضعف و شکست مسلمانان عمـل نکرده اسـت؛ بلکـه به عکس، هر گـاه علم کلاـم بـا رعـایت همه شـرایط و روش‌هـای درست آن، مـورد اسـتفاده قرار گرفته، وحدت، یکپارچگی و پایداری مسلمانان در برابر دشمنان را موجب شده است.

به راستی نمی‌توان این موضوع را انکار نمود که برخی متکلّمان، علم کلام را به عنوان ابزار توجیه عقایـد باطل و انـدیشه‌های فاسـد خود، به کار بسـته‌اند، امّا باید توجّه داشت که این امر به علم کلام مختص نیست و دیگر علوم اسـلامی نیز به عنوان دستاویزی برای تحقّق اهداف و اغراض ناهمگون با حق و دین، مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

---

(۱). مجله الغدیر: شماره‌های ۸ و ۹، صفحه ۹۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۵۲

بنـابراین، اسـتفاده نـابه جـای برخی متکلّمـان از علم کلاـم، گردی بر دامن این علم نمی‌نشانـد؛ بلکه مردم می‌بـایست میان متکلّمان،

تفاوت قائل شوند؛ به گونه‌ای که با شناخت متکلّمانِ حقّ مدار، به تبعیّت از آن‌ها بپردازند و با کشف متکلّمانِ مغرض، راه خود را از آن‌ها جدا نمایند.

اعتقاد قطعی ما بر این است که طرح مسائل مورد اختلاف علما، ارزیابی آن بر اساس کتاب، سنّت، عقل سلیم و منطق صحیح و مورد پذیرش عقلا ـ و نیز استناد به ادله استوار و حجّت‌های معتبر، از بهترین روش‌های تحقّق وحدت در میان مسلمانان به شمار می‌آید...

علم کلام نیز دقیقاً به همین منظور، بنیان نهاده شده است؛ چرا که این علم، در واقع، وحدت و همگرایی را ترویج می‌کند و مسلمانان را از تفرقه و خصومت، برحذر می‌دارد.

از این رو، علم کلام نه تنها منافاتی با وحدت مسلمانان ندارد؛ بلکه در صورت استفاده صحیح از این علم و به کارگیری آن در جهت دستیابی به حق و راستی، زمینه ساز وحدت مسلمانان نیز می‌شود.

توفیق همه از خداست.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۵۳

تأثیر علم کلام در گرایش به تشیّع ... ص: ۵۳

همان گونه که گذشت، دل های حقّ طلب و دوست‌دار خیر و رستگاری، بی‌تردید تحت تأثیر استدلال‌های منطقی، مباحثات سالم و ادله متّکی بر مسلّمات- که چاره‌ای جز پذیرش آن نیست- قرار می‌گیرند و در واقع، راز تأکید قرآن بر «جدال احسن» را نیز باید در همین نکته جست و جو کرد.

«جدال احسن» از نخستین روش‌های پیامبران، اوصیا و دیگر مصلحان برای هدایت بشر به صراط مستقیم، محسوب می‌شود.

پیشرفت مذهب امامیّه و گرایش ملت‌ها به تشیّع نیز مرهون علم کلام و جدال صحیحِ مبتنی بر کتاب، سنّت، عقل و حجّت‌های معتبر و مقبول، بوده است...

برای مثال، صدها تن از مردم کشورهای مختلف جهان به برکت کتاب المراجعات اثر آیت اللَّه سیّد عبدالحسین شرف الدین قدّس سرّه به شیعه گرویده‌اند.

هم‌چنین تک مناظره علّامه حلّی رحمه اللَّه با علمای بزرگ اهل سنّت در ایران موجب شد که همه مردم آن روز ایران، شیعه شوند.

بر اساس نقل علمای بزرگ منطقه جبل عامل، گسترش تشیّع در

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۵۴

این منطقه توسّط ابوذر غفاری رضی اللَّه عنه، صورت گرفته است. «۱» یکی از علمای اهل سنّت در ضمن حمله به علم کلام، خاطر نشان می‌کند که «شیعه شدن اهل سنّت، تنها به صورت فردی و گرایش شخصی، صورت پذیرفته است»؛ «۲» امّا با توضیحات کوتاه فوق، بطلان ادّعای این عالم اهل سنّت روشن می‌شود.

برخی مسائل اختلافی در علم کلام ... ص: ۵۴

به نظر می‌رسد مهم‌ترین مسائل مورد اختلاف شیعه اثنا عشری و دیگر فرقه‌های اسلامی در مسائل ذیل باشد:

۱. صفات باری تعالی و عین ذات بودن یا زائد بر ذات بودن آن‌ها.

امامیه بر این باور است که صفات حق تعالی، عین ذات اوست و زاید بر آن نیست.

۲. جسم پنداری خداوند.

امامیه، جسم بودن خداوند را نفی می کند و اعتقاد بدان را کفر می‌داند، امّا برخی فرقه‌های اسلامی معتقدند که خداوند، دست و پا دارد، بالا و پایین می‌رود و ... باید گفت که خداوند متعال از چنین

(۱). أمل الآمل فی علماء جبل عامل: ۱/ ۱۳، تأسیس الشیعهٔ لعلوم الإسلام: ۳۵۱.

(۲). مجله الغدیر: شماره های ۸ و ۹، صفحه ۹۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۵۵

صفاتی، کاملًا پاک و منزّه است.

۳. قرآن.

امامیه حادث بودن و دیگران قدیم بودن قرآن را خاطر نشان می‌سازند. جریانات و حوادثی پیرامون این مسأله رخ داده است که می‌توان با مراجعه به کتاب‌های سیره و تاریخ، به مطالعه آن پرداخت.

۴. اعمال بندگان.

برخی فرقه‌ها، به جبر و برخی دیگر به تفویض (اختیار تامّ) معتقد هستند، امّا امامیه به هیچ یک از این دو مقوله قائل نیست و به امری بین جبر و تفویض اعتقاد دارند.

۵. مسائل مربوط به عدل.

امامیه بر آن است که خداوند فعل قبیح را انجام نمی‌دهد و خواستار اطاعت است، گناهان را نمی‌پسندد، از افعال خود غرض و حکمتی دارد، جز به اندازه توان، تکلیف نمی کند و...

۶. امامت و خلافت پس از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله.

امامیّه معتقد است که بر اساس نصّ و سخن آشکار خدا و رسول اکرم صلی اللَّه علیه وآله، علی بن ابی‌طالب علیهما السلام خلیفه مسلمانان پس از رسول خداست، امّا اهل سنّت، بر مبنای انتخاب مردم، ابوبکر فرزند ابوقحافه را خلیفه رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله می‌دانند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۵۶

امامت و اصول دین ... ص: ۵۶

اشارهٔ

امامت، حساس‌ترین و مهم‌ترین بحث و مسأله اختلافی در میان مباحث اصول دین بوده است تا جایی که به لحاظ جایگاه و زمان از دیگر بحث‌ها، پیشی گرفته است؛ به همین جهت گفته‌اند:

أعظم خلاف بین الامّهٔ خلاف الإمامهٔ، إذ ما سُلّ سیف فی الإسلام علی قاعدهٔ دینیهٔ مثل ما سُلّ علی الإمامهٔ فی کلّ زمان؛ «۱»

مسأله امامت، بزرگ‌ترین مسأله اختلافی مسلمانان است؛ چرا که بر هیچ یک از اصول دین در هیچ عصری، به اندازه مسأله امامت، چالش نشده و شمشیر کشیده نشده است.

وجوب امامت ... ص: ۵۶

اصل امامت نه تنها مورد اختلاف مسلمانان نیست؛ بلکه محلّ اجماع و اتفاق نظر آنان است و علمای بزرگ شیعه و سنّی، این اصل

را مورد تأکید قرار داده‌اند.

ابن حزم اندلسی در این باره می گوید:

اتّفق جمیع أهل السنّة وجمیع المرجئة وجمیع المعتزلة

---

(۱). الملل والنحل: ۱/ ۱۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۵۷

وجمیع الشیعة وجمیع الخوارج علی وجوب الإمامة، وأنّ الامّة فرض واجب علیها الإنقیاد لإمام عادل یقیم فیهم أحکام اللَّه، ویسوسهم بأحکام الشریعة الّتی أتی بها رسول اللَّه صلّی اللَّه علیه وآله ... والقرآن والسنة قد وردا بإیجاب الإمام؛ «... ۱»

فرد فرد اهل سنّت، مرجئه، معتزله، شیعه و خوارج، در وجوب امامت، اتّفاق نظر دارند و معتقدند که اطاعت از امام دادگر، مجری احکام الاهی و شریعت نبوی بر همه آحاد امّت اسلامی، واجب است ... قرآن و سنّت نیز وجوب امام را مورد تصریح قرار داده‌اند ...

همان گونه که خواهد آمد شیعه اثناعشری، مسأله امامت را جزء لا ینفکّ اصول دین می‌دانند و به همین جهت توجه فراوانی به آن نشان می‌دهند. در روایات ائمه شیعه علیهم السلام، درباره امامت این گونه آمده است:

إنّ الإمامة اسّ الإسلام النامی وفرعه السامی ...

إنّ الإمامة زمام الدین ونظام المسلمین وصلاح الدنیا وعزّ

---

(۱). الفصل فی الملل والأهواء والنحل: ۳/ ۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۵۸

المؤمنین؛ «۱»

امامت، پایه رو به رشد اسلام و شاخه بلند آن است ...

امامت، زمام دین، نظم دهنده مسلمانان، صلاح دنیا و عزّت مؤمنان است.

امامان شیعه علیهم السلام درباره امام نیز چنین فرموده‌اند:

بالإمام تمام الصلاة والزکاة والصیام والحج والجهاد وتوفیر الفیء والصدقات وإمضاء الحدود والأحکام ومنع الثغور والأطراف؛ «۲»

تکمیل نماز، زکات، روزه، حج و جهاد، جمع آوری غنایم و صدقات، اجرای حدود و احکام و دفاع از مرزها و اقصی نقاط سرزمین اسلام، تنها و تنها به وسیله امام امکان‌پذیر است.

علّامه حلّی رحمه اللَّه در مقدمه کتاب منهاج الکرامة فی معرفة الإمامة می‌نویسد:

فهذه رسالة شریفة، ومقالة لطیفة، اشتملت علی أهمّ المطالب فی أحکام الدین، وأشرف مسائل المسلمین، وهی مسألة الإمامة، الّتی یحصل بسبب إدراکها نیل درجة

---

(۱). الکافی: ۱/ ۲۲۴، إکمال الدین وإتمام النعمة: ۶۷۷، معانی الأخبار: ۹۷.

(۲). همان.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۵۹

الکرامة، وهی أحد أرکان الإیمان المستحقّ بسببه الخلود فی الجنان والتخلص من غضب الرحمان؛ «۱»

این رساله و کتاب نغز به بررسی مهم‌ترین حکم دینی و گران قدرترین مسأله مسلمانان؛ یعنی مسأله امامت می‌پردازد که ادراک آن، موجبات نیل به مرتبه کرامت را فراهم می‌آورد.

امامت یکی از ارکان دین است که شناخت آن، جاودانگی در بهشت و رهایی از خشم پروردگار را به ارمغان می‌آورد.

امامت چیست ...؟ ص: ۵۹

تعریف یکسان مسلمانان از امامت، اهمیّت و عظمت آن را نمایان می‌سازد. برای نمونه به مواردی از تعریف دانشمندان اسلامی اشاره می‌نماییم.

قاضی ایجی می‌گوید:

برخی گفته‌اند: امامت به ریاست عامّ در امور دین و دنیا اطلاق می‌شود. اما این تعریف جامع و مانع نیست و نبوّت را نیز دربر می‌گیرد. بهتر آن است که گفته شود: امامت به معنای خلافت رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در برپایی دین است؛ به گونه‌ای که اطاعت از آن بر همه امّت،

---

(۱). نگاه کنید به: شرح منهاج الکرامهٔ: ۱/ ۱۵ ط ۱.

واجب است. «۱» سعدالدین تفتازانی در این باره می‌گوید:

امامت به معنای ریاست عامّ در امر دین و دنیاست که به جانشینی از پیامبر صورت می‌گیرد «... ۲» علّامه حلّی رحمه اللَّه در تعریف امامت می‌گوید:

امامت به معنای ریاست عامّ یک فرد در امور دین و دنیاست که به جانشینی از پیامبر صلی اللَّه علیه وآله، صورت می‌پذیرد. «۳»

دانشمند فاضل، مقداد سیوری «۴» در شرح خود می‌نویسد:

---

(۱). المواقف فی علم الکلام: ۳۹۵.

(۲). شرح المقاصد: ۵/ ۲۳۲.

(۳). الباب الحادی عشر: ۸۲.

(۴). نام کامل وی شرف الدّین ابوعبداللَّه مقداد بن عبداللَّه بن عبداللَّه بن محمّد بن حسین سیوری حلّی اسدی است. وی در زمره علماء، فضلا، متکلّمان، محقّقان و اهل دقّت و نظر قرار داشت و از شاگردان شهید اوّل شیخ محمّد بن مکّی عاملی بود. از آثار سیوری می‌توان به شرح نهج المسترشدین فی أصول الدّین، کنز العرفان فی فقه القرآن، شرح مبادئ الأصول، تجوید البراعهٔ فی شرح تجرید البلاغهٔ و النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، اشاره نمود.

سیوری در ۲۵ جمادی الآخر سال ۸۲۶ هجری، در نجف اشرف دیده از جهان فرو بست. برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: أمل الآمل: ۲/ ۳۲۵، شماره ۱۰۰۲، طبقات أعلام الشیعهٔ/ (قرن ۹ و ۱۰): ۴/ ۱۳۸، الذریعهٔ: ۲۴/ ۱۸، شماره ۹۴، معجم المؤلّفین: ۳/ ۹۰۶، شماره ۱۷۲۰۰، الأعلام: ۷/ ۲۸۲.

امامت به معنای ریاست عامّ یک فرد انسانی در امور دین و دنیاست. بنابراین، ریاست، جنس قریب است و انتساب امامت به یک شخص، جنس بعید به شمار می‌رود. عامّ بودن امامت نیز فصل تعریف است که باعث می‌شود این مفهوم از ولایت قُضات و

نمایندگان، جدا گردد و آنان را دربرنگیرد و قید «در امور دین و دنیا» نشان‌گر عرصه امامت و دائره ریاست آن است؛ به گونه‌ای که دین و دنیا را به طور مساوی دربرمی‌گیرد.

از سوی دیگر استفاده از عبارت «یک فرد انسانی»، به دو مسأله اشاره دارد:

۱. فردِ شایسته امامت، باید شخصی منتصب از جانب خدا و رسول او باشد، نه هر شخصی که اتّفاق افتاد.

۲. در یک زمان واحد، فقط یک شخص، شایستگی امامت را دارد.

البته برخی از دانشمندان قید اصالت را نیز افزوده و در تعریف امامت می‌گویند:

امامت به معنای ریاست عامّ یک فرد انسانی در امور دین و دنیا، به

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۶۲

اصالت است.

این تعریف، امامت نیابی را شامل نمی‌شود که امام، عموم ولایت را به او تفویض کرده است؛ زیرا که ریاست نایب امام، عامّ است، امّا اصالتی در ریاست او وجود ندارد.

واقعیت این است که تعریف مذکور، ریاست عامّ را از نایب امام سلب می‌کند؛ چرا که نایب مذکور، هیچ ریاستی بر امام خود ندارد و به همین جهت، ریاست او، عامّ تلقّی نمی‌شود.

با این همه، تعریف مذکور، نبوّت را نیز دربرمی‌گیرد؛ به همین دلیل این قید نیز افزوده شده که: امامت، با حق نیابت از پیامبر صلی اللَّه علیه وآله یا به واسطه یک انسان، صورت می‌پذیرد. «۱» فیّاض لاهیجی در شرح التجرید، هر دو تعریف ایجی و تفتازانی را آورده و پسندیده است. «۲» این نشان می‌دهد که اختلاف الفاظ و تنوّع تعاریف، به هدف مشترک خدشه‌ای وارد نمی‌آورد.

بنابراین، نکته شایان توجه در موضوع مورد بحث، این است که علمای شیعه و سنّی در تعریف امامت، اختلافی با هم ندارند.

---

(۱). النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر: ۴۴.

(۲). شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام: ۱/ ۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۶۳

امامت، جزء اصول دین است ... ص: ۶۳

از این تعریف- که شیعه و سنّی در آن اتفاق نظر دارند- مشخص می‌شود که امامت، از اصول دین است، نه از فروع دین؛ چرا که امامت، در جایگاه نیابت پیامبر صلی اللَّه علیه وآله قرار می‌گیرد و به همین جهت جزء شؤون و متعلّقات نبوّت، به شمار می‌آید.

افزون بر این، احادیثی درباره امامت وجود دارد که مورد اتّفاق نظر شیعه و سنّی است. برای مثال رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله می‌فرماید:

من مات ولم یعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیة؛

هر کس بمیرد و امام عصر خویش را نشناسد به مرگ دوران جاهلی مُرده است.

هر چند که این حدیث با عبارات متفاوتی نقل شده، امّا مراد همه این عبارات، یکی است و همگی آن‌ها بر معانی واژه‌های همین روایت دلالت دارند. این حدیث با همین الفاظ در بسیاری از کتاب‌ها- همانند شرح المقاصد «۱»

- نقل شده است.

در مسند احمد و برخی دیگر از کتاب‌ها، چنین آمده است که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

(۱). شرح المقاصد: ۵/ ۲۳۹، شرح العقائد النسفیه: ۲۳۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۶۴

من مات بغیر إمام مات میتة جاهلیة؛ «۱»

هر کس بدون امام، بمیرد به مرگ دوران جاهلی مرده است...

در برخی کتاب‌ها نیز این گونه آمده است:

من مات ولیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة؛ «۲»

هر کس بمیرد و بیعتی بر ذمّه او نباشد به مرگ دوران جاهلی مرده است.

گفتنی است که این حدیث به صورت‌های دیگری نیز نقل شده است. «۳»

(۱). مسند أحمد: ۴/ ۹۶. هم‌چنین ر. ک: صحیح مسلم: ۶/ ۲۲، مسند طیالسی: ۲۵۹، حدیث ۱۹۱۳، المعجم الکبیر، طبرانی: ۱۹/ ۳۸۸، حدیث ۹۱۰، مسند الشامیّین: ۲/ ۴۳۷، حدیث ۱۶۵۴، حلیة الأولیاء: ۳/ ۲۲۴. ابونعیم اصفهانی پس از نقل این حدیث می گوید: «این حدیث، صحیح و ثابت شده است و مسلم بن حجّاج در صحیح خود، آن را از عمرو بن علی، از ابن مهدی، از هشام بن سعد، از زید، نقل کرده است». حدیث مذکور، پیش از این نیز نقل شد. جامع الأحادیث، سیوطی: ۷/ ۳۸۴، حدیث ۲۳۱۱۴ و ۲۳۱۱۶، کنز العمّال: ۱/ ۱۰۳، حدیث ۴۶۴ و ۶/ ۶۵، حدیث ۱۴۸۶۳.

(۲). السنن الکبری، بیهقی: ۸/ ۱۵۶. ر. ک: صحیح مسلم: ۶/ ۲۲، المعجم الکبیر، طبرانی: ۱۹/ ۳۳۴، حدیث ۷۶۹، إتحاف السادة المتّقین: ۶/ ۱۲۲.

(۳). ر. ک: السنة، ابن ابوعاصم: ۴۸۹، حدیث ۱۰۵۷، مسند ابویعلی: ۱۳/ ۳۶۶، حدیث ۷۳۷۵، المعجم الکبیر، طبرانی: ۱۰/ ۲۸۹، حدیث ۱۰۶۸۷، المعجم الأوسط: ۱/ ۱۲۷، حدیث ۲۲۷، و ۶/ ۱۲۸، حدیث ۵۸۲۰، شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید: ۱۳/ ۲۴۲، الإحسان بترتیب صحیح ابن حبّان: ۷/ ۴۹، حدیث ۴۵۵۴، مجمع الزوائد: ۵/ ۲۲۵، جامع الأحادیث، سیوطی: ۷/ ۳۸۴، حدیث ۲۳۱۱۳، کنز العمّال: ۱/ ۱۰۳، حدیث ۴۶۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۶۵

بنابراین، حدیث مذکور به صراحت، نشان می‌دهد که شناخت امام، پیروی و اطاعت از او و اعتقاد به ولایت الاهی وی، واجب است و هر کس امام را نشناسد، یا او را انکار کند، در حال کفر می‌میرد؛ درست همانند کسی که از شناخت نبوّت پیامبر صلی اللَّه علیه وآله باز می‌ماند و آن را انکار می کند.

با آن چه که گفته شد، به ذکر ادله دیگری نیازی نیست. بر همین اساس، از برخی اشاعره- همانند قاضی بیضاوی- نقل شده است که آن‌ها همانند امامیّه، امامت را جزء اصول دین دانسته‌اند؛ «۱» امّا برخی دیگر همانند سعدالدین تفتازانی ترجیح داده‌اند که امامت را در زمره فروع دین قرار دهند. «۲» مشهور این است که بیشتر علمای اهل سنّت، امامت را جزء مسائل فرعی به شمار می‌آورند.

(۱)

. منهاج الوصول فی معرفة علم الأصول (که همراه کتاب الابتهاج بتخریج أحادیث المنهاج به چاپ‌رسیده است): ۱۶۷.

(۲). شرح المقاصد: ۵/ ۲۳۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۶۶

تعیین امام با کیست ...؟ ص: ۶۶

اشارهٔ

در پاسخ این پرسش که تعیین امام با کیست؟ دیدگاه شیعه و اهل سنّت را بیان می کنیم.

۱. دیدگاه اهل سنّت ... ص: ۶۶

اشارهٔ

گفتیم که بیشتر علمای اهل سنّت، امامت را جزء فروعِ مرتبط با اعمال مکلّفین می‌دانند؛ گویی مقصود این دیدگاه این است که نصب امام، بر امّت واجب است نه بر خداوند. سعدالدین تفتازانی در این باره می‌نویسد:

از دیدگاه ما و عموم معتزله، نصب امام از سوی مردم واجب نقلی است. اما برخی معتزله، نصب امام از سوی مردم را واجب عقلی می‌دانند. شیعیان معتقدند که نصب امام بر خداوند، واجب است ... ما برای اثبات اعتقاد خود، مستندات و دلایلی داریم...

نخستین و عمده دلیل ما اجماع و اتفاق نظر صحابه است تا جایی که نصب امام را از مهم‌ترین واجبات دانسته و به جای دفن رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به نصب امام پرداختند «... ۱» جای شگفتی است که اهل سنّت، نصب امام را واجب می‌دانند...

امّا معتقدند که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله بی‌هیچ وصیّتی در این زمینه، به

---

(۱). شرح المقاصد: ۵/ ۲۳۵ و ۲۳۶.

سوی رفیق اعلی شتافت! آنان معتقدند که هیچ نصّ و سخن آشکاری یا تعیینی درباره امامتِ فردی مشخّص، از خدا و رسول او صادر نشده است...

و به همین جهت وجوب نصب امام، از وظایف مکلّفین به شمار می‌رود. «۱»

نقد دیدگاه اهل سنّت ... ص: ۶۷

آری، اهل سنّت عمده دلیل اعتقاد خود را اجماع صحابه می‌دانند تا جایی که صحابه، نصب امام را از مهم‌ترین واجبات به شمار آورده و به جای دفن رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به نصب امام پرداختند...

اگر عمده دلیل اهل سنّت، اجماع صحابه باشد، قضیه به راحتی حلّ و فصل می‌شود؛ چرا که این دلیل از چند صورت، قابل نقد است «۲»

---

(۱). ر. ک: تثبیت الإمامهٔ، ابونعیم اصفهانی: ۷۰- ۷۳، حدیث ۲۷- ۳۰، غیاث الأمم، جوینی: ۵۵- ۶۵، الأربعین فی أصول الدین، فخر رازی: ۲/ ۲۵۵ و ۲۵۶.

(۲). اهل سنّت، نصب امام پس از پیامبر صلی اللَّه علیه وآله را از مهم‌ترین واجبات می‌دانند تاجایی که برخی صحابه جنازه پیامبر

صلی اللَّه علیه وآله را بر روی زمین رها کردند- که خود موجب وهن اسلام و پیامبر بود- و به تعیین خلیفه و امام پرداختند؛ اگر ادعای اهل سنّت درست باشد باید پرسید: چرا خود پیامبر صلی اللَّه علیه وآله این مهم‌ترین واجبات را ترک نمود و- آن سان که آنان می‌پندارند- اسلام و مسلمانان را در معرض هواهای نفسانی قرار داد؟

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۶۸

یکی از آن دلیل‌ها عبارت است از: عدم تحقّق اجماع صحابه!

آری، ابوبکر، عمر و عدّه‌ای دیگر پیکر رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله را بر روی زمین رها کردند و به سوی سقیفه بنی ساعده شتافتند؛ جایی که برخی انصار برای بررسی موضوع خلافت، گرد آمده بودند ... این دسته از انصار پس از انتخاب ابوبکر، به نزد بنی هاشم و دیگر اصحاب- که جنازه پیامبر را رها نکرده بودند- آمدند و خواستار بیعت آنان با ابوبکر شدند!

بنابراین، تنها گروهی از صحابه- و نه همه آنان- نصب امام را از مهم‌ترین واجبات دانسته و آن را بر دفن پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله ترجیح دادند.

این در صورتی است که اجتماع انصار در سقیفه، به منظور بحث و گفت و گو پیرامون خلافت صورت گرفته باشد.

امّا اگر علّت اجتماع آنان را- بر طبق برخی دیدگاه‌ها- رایزنی پیرامون برخی مسائل خاص و دستیابی به اتحاد و هم‌رأیی خویش در رویارویی با مهاجران و ... بدانیم، مسأله روشن‌تر خواهد بود.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۶۹

۲. دیدگاه شیعه ... ص: ۶۹

درباره تعیین امام، شیعه بر این باور است که:

۱. امر امامت به دست خدای متعال است.

۲. نصب امام بر خداوند واجب است.

۳. خداوند امام را نصب کرده است. «۱» در توضیح این سه موضوع می‌گوییم: کتاب و سنّت، بیان‌گر این مطلب است که امر امامت در دست قدرت الاهی جای دارد.

سیره نویسان مطلبی را نقل کرده‌اند که از گویاترین دلایل سنّت در این امر به شمار می‌آید.

ابن اسحاق می‌گوید: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله، خود را به یکی از تیره‌های قبایل کنده و کلب به نام بنی عبداللَّه، معرفی کرد و به آن‌ها فرمود: خداوند، نام نیکویی برای پدر شما- یعنی عبداللَّه- قرار داده است.

- پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله در حدیثی فرمود:

محبوب‌ترین نام‌ها در پیشگاه خدای عزّوجلّ، عبداللَّه و عبدالرّحمان است-.

---

(۱). برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک: الإفصاح فی إمامهٔ أمیر المؤمنین علیه السّلام: ۲۷- ۲۹، المقنع فی الإمامهٔ: ۴۷- ۵۴، الألفین: ۳۱- ۳۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۷۰

آن گاه پیامبر صلی اللَّه علیه وآله به بنی عبداللَّه پیشنهاد داد تا اسلام بیاورند. امّا آن‌ها پیشنهاد وی را نپذیرفتند.

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله همین پیشنهاد را به بنی حنیفه و بنی عامر بن صعصعه ارائه داد. در این هنگام، مردی از میان آنان گفت: اگر در این امر با تو بیعت کنیم و آن گاه خداوند تو را بر مخالفان، پیروز گرداند، آیا بعد از تو، امر (حکومت) برای ما می‌شود؟

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

الأمر إلى اللَّه يضعه حيث شاء؛

این امر با خداست و آن را به هر که خواهد عطا نماید.

آن مرد گفت: آیا برای حمایت از تو با اعراب بجنگیم- و بنا به روایت دیگری: آیا سینه خود را آماج تیرهای اعراب قرار دهیم- امّا اگر خداوند تو را پیروز گرداند، امر (حکومت) از آنِ دیگران شود؟! ما را به امر تو نیازی نیست.

به این ترتیب، قبایل مذکور از پذیرش اسلام، سر باز زدند. «۱» همان گونه که ملاحظه می کنید، این حدیث، شایان توجه دقیق است.

---

(۱). السيرة النبوية، ابن هشام: ۲/ ۲۷۱ و ۲۷۲، السيرة الحلبية: ۲/ ۱۵۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۷۱

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به هنگام ورود خود به قبیله مذکور و دعوت آنان به توحید، در سخت‌ترین شرایط قرار دارد و- بر پایه این اخبار- از آنان خواست تا به او ایمان آورده و او را از مکر و اذیّت شرک ورزان، در امان نگه دارند.

اما پاسخ آن‌ها به دعوت پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله بسیار زشت و زننده بود که می گفتند: خانواده و عشیره تو از حقیقت تو آگاه‌ترند؛ که از تو پیروی نمی کنند.

برای پیامبر صلی اللَّه علیه وآله اهمیّت داشت که حتّی یک فرد، ایمان بیاورد، از او اطاعت نماید و آزار و اذیت قریش و دیگران را از آن حضرت دور کند.

با این همه، هنگامی که قبیله مذکور از او خواستند تا در صورت پیروزی بر مخالفان، ریاست را به آنان واگذار نماید، با صراحت تمام و بدون هیچ تردیدی فرمود:

الأمر إلى اللَّه يضعه حيث شاء؛

این امر با خداست و آن را به هرکه بخواهد عطا نماید.

یعنی: امر خلافت پس از پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در اختیار ایشان نیست. همچنان که نبوّت نیز به اختیار ایشان نبوده است...

این حادثه تاریخی از محکم‌ترین دلایل سمعی است که نشان می‌دهد

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۷۲

نصب امام، در اختیار خدای سبحان است و پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله نه تنها نمی‌تواند تعیین امام را به مردم واگذارد که حتی خود ایشان نیز اجازه نصب امام را ندارد!

درباره وجوب نصب امام بر خداوند متعال دلایلی وجود دارد که وجوب لطف الاهی از جمله دلایل آن به شمار می‌آید.

اما در مورد این که خداوند متعال امام را نصب کرده است آیات فراوان قرآن کریم و احادیث قطعی پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله نشان می‌دهد که خداوند، تکلیف امامت را پس از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله روشن نموده و امام را تعیین فرموده است. علمای امامیّه نیز در کتاب‌های امامت خود، به این آیات و احادیث، استناد کرده‌اند.

امام بعد از پیامبر کیست ...؟ ص: ۷۲

اکنون این پرسش مطرح است که پس از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله، امامت بر عهده کیست؟!

شیعه معتقد است که خدای سبحان و پیامبر او، حضرت علی علیه السلام را تعیین نموده و او را به عنوان خلیفه مسلمانان پس از

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله، منصوب کرده‌اند.

اهل سنّت بر آنند که خلافت پس از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله از آنِ ابوبکر بوده که به واسطه رأی مردم، صورت پذیرفته است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۷۳

ادلّه شیعه بر امامت حضرت علی ... ص: ۷۳

علیه السلام

شیعه امامیّه برای اثبات امامت حضرت علی علیه السلام پس از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله، استدلال‌های خود را به سه بخش تقسیم می‌نماید.

۱. دلیل‌هایی از کتاب و سنّت

در این بخش ادلّه امامت حضرت علی علیه السلام را از کتاب و سنّت ارائه می‌کند.

۲. دلیل عقلی

دلیل عقلی بر امامت حضرت علی علیه السلام از قیاسی منطقی تشکیل می‌شود که حدیث، سیره و تاریخ، صغرای آن محسوب می‌شود؛ یعنی علی علیه السلام پس از پیامبر، برترین مردم بود؛ کبرای این قیاس برگرفته از عقل است به این معنا که تقدّم مفضول (کسی که مقامش پایین‌تر است) بر فاضل (کسی که مقامش از همگان بالاتر است) قبیح و زشت است.

۳. موانع امامت خلفای سه گانه

با توجه به تعریف و هدف امامت، شروط قطعی امام و ... امامت ابوبکر، عمر و عثمان، جایز نیست.

شیعه امامیّه، حجّت های معتبر خود را در سه بخش مذکور؛ «بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ»؛ «با بهترین روش» ارائه نموده‌اند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۷۴

شیعه امامیه و پایبندی به جدال احسن ... ص: ۷۴

شیعه امامیّه بر اساس اصلی‌ترین قاعده مناظره، برای ردّ ادعای امامت ابوبکر از استدلال‌ها و برهان‌های مورد تأیید اهل سنّت، بهره می‌گیرند و به کتاب‌ها و گفته‌های علمای آنان، استناد می‌نمایند.

نمونه‌هایی از استدلال‌های شیعه ... ص: ۷۴

اشارهٔ

برای مثال، استدلال به حدیث غدیر خم برای اثبات امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام چنین صورت می‌پذیرد:

شیعه می‌گوید: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرموده است:

ألست أولی بالمؤمنین من أنفسهم؟

آیا من از مؤمنان به خودشان سزاوارتر نیستم؟!

گفتند: بله.

فرمود:

فمن کنت مولاه فعلی مولاه، اللهمّ والِ من والاه، وعاد من عاداه؛...

هر کس من مولای او هستم پس علی مولای اوست، خدایا! دوست‌داران او را دوست و دشمنانش را دشمن بدار...

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۷۵

ممکن است برخی از اهل سنّت بگویند: این دروغ است «۱» و رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله چنین سخنانی را نگفته است!

شیعه در پاسخ می گوید: چندین تن از علمای بزرگ اهل سنّت، حدیث فوق را نقل کرده‌اند. «۲» ممکن است طرف مقابل بگوید: علی در آن روز کجا بود؟ او در آن روز در یمن بود «... ۳» شیعه ناگزیر است در پاسخ بگوید: بازگشت او از یمن را فلانی و فلانی ... از علمای اهل سنّت، نقل کرده‌اند. «۴»

---

(۱)

. همانند ابن تیمیّه در منهاج السنّهٔ: ۷/ ۳۱۳- ۳۱۴.

(۲). برای مثال نگاه کنید به: سنن ابن ماجه: ۱/ ۴۳، حدیث ۱۱۶، سنن ترمذی: ۵/ ۵۹۱، حدیث ۳۷۱۳، السنن الکبری، نسائی: ۵/ ۱۰۷، حدیث ۸۳۹۷، مسند أحمد: ۱/ ۸۴ و چندین جای دیگر، مصنّف ابن ابی شیبه: ۷/ ۴۹۴، حدیث ۲ و چندین جای دیگر، التاریخ الکبیر: بخاری: ۱/ ۳۷۵، حدیث ۱۱۹۱، السنّهٔ، ابن ابوعاصم: ۵۹۰- ۵۱۳، حدیث ۱۳۵۴- ۱۳۷۶ از طرق گوناگون، زوائد عبداللّٰه بن أحمد بن حنبل: ۴۱۳- ۴۱۹، حدیث ۱۹۷- ۲۰۱، الذرّیهٔ الطاهرهٔ: ۱۶۸، حدیث ۲۲۸، مسند بزّار: ۲/ ۱۳۳، حدیث ۴۹۲ و چندین جای دیگر، مسند ابی یعلی: ۱/ ۴۲۸، حدیث ۵۶۷، صحیح ابن حبّان: ۹/ ۴۲، حدیث ۶۸۹۲، المعجم الکبیر: ۳/ ۱۸۰، حدیث ۳۰۵۲ و چندین جای دیگر، المعجم الأوسط: ۲/ ۱۰، حدیث ۱۱۱۵ و چندین جای دیگر.

(۳). همانند ایجی در المواقف: ۴۰۵.

(۴). برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک: صحیح مسلم: ۴/ ۴۰، سنن ابی داوود: ۲/ ۱۹۱، حدیث ۱۹۰۵، السنن الکبری، نسائی: ۵/ ۱۴۴، سنن ابن ماجه: ۲/ ۱۰۲۴، حدیث ۳۰۷۴، مسند أحمد: ۳/ ۳۲۰، سنن دارمی: ۲/ ۳۴، حدیث ۱۸۵۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۷۶

ممکن است طرف مقابل چنین بگوید: صدر حدیث: «ألست أولی » ... پایه و اساس ندارد. «۱» شیعه در پاسخ می گوید: جمله «ألست أولی » ... را فلانی و فلانی...

از علمای اهل سنّت نقل کرده‌اند. «۲» ممکن است طرف مقابل، «مولی» را به معنای «أولی» (سزاوارتر) نگیرد. «۳» شیعه در پاسخ او، لیستی از زبان شناسان بزرگ اهل سنّت را ارائه می کند که کلمه «مولی» را به معنای «أولی» دانسته‌اند. «۴»

---

(۱). همانند تفتازانی در شرح المقاصد: ۵/ ۲۷۴.

(۲). برای آگاهی بیشتر از راویان صدر حدیث مذکور ر. ک: سنن ابن ماجهٔ: ۱/ ۴۳، حدیث ۱۱۶، مسند أحمد: ۱/ ۱۱۸ و جاهای دیگر، مصنّف ابن ابی شیبه: ۷/ ۵۰۳، حدیث ۵۵ و یک جای دیگر، السنّه، ابن ابی عاصم: ۵۹۱، حدیث ۱۳۶۱ و یک جای دیگر، مسند بزّار: ۲/ ۱۳۳، حدیث ۴۹۲ و یک جای دیگر، مسند ابی یعلی: ۱/ ۴۲۹، حدیث ۵۶۷، و چندین موضع از معاجم سه گانه طبرانی.

(۳). همانند باقلانی در تمهید الأوائل: ۴۵۱، آمدی در غایهٔ المرام فی علم الکلام: ۳۷۸ و دهلوی در تحفهٔ إثنا عشریه: ۲۰۸.

(۴). این معنا از کلبی، زجّاج، فرّاء و ابوعبیده در تفسیر فخر رازی: ۲۹/ ۲۲۸ آمده است، هم‌چنین برای آگاهی بیشتر ر. ک: صحیح بخاری: ۶/ ۲۵۹، تنویر المقباس من تفسیر ابن عبّاس: ۵۷۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۷۷

استدلال به حدیث «مدینة العلم ...» ص: ۷۷

شیعه، در استدلال دیگر به این سخن رسول خدا صلی اللّه علیه وآله استدلال می کند که آن حضرت فرمود:

أنا مدینة العلم وعلی بابها، فمن أراد المدینة فلیأتها من بابها؛

من شهر علم هستم و علی دروازه آن است؛ پس هر کس بخواهد وارد این شهر شود باید از دروازه آن وارد شود.

برخی اهل سنّت به این استدلال اعتراض می کنند و می گویند:

این حدیث را به پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله دروغ بسته‌اند. «۱» شیعه در پاسخ او می گوید: فلانی و فلانی و ... از برخی علمای اهل سنّت آن را نقل کرده «۲» و فلانی و فلانی و ... آن را صحیح

---

(۱). همانند ابن جوزی در الموضوعات: ۱/ ۳۵۴ و ابن تیمیّه در الفتاوی الکبری: ۳/ ۲۷.

(۲). ناقلان این حدیث عبارتند از: یحیی بن معین در معرفة الرّجال: ۱/ ۷۹، حدیث ۲۳۱ وج ۲۴۲، شماره ۸۳۱ و ۸۳۲، احمد بن حنبل در فضائل الصّحابه: ۲/ ۷۸۹، حدیث ۱۰۸۱ با این متن: «أنا دار الحکمة وعلی بابُها؛ من خانه حکمتم و علی درِ آن است»، ترمذی در سنن: ۵/ ۵۹۶، حدیث ۳۷۲۳ و نیز در الفضائل، طبرانی در المعجم الکبیر: ۱۱/ ۵۵، حدیث ۱۱۰۶۱، حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۳۷- ۱۳۸، حدیث‌های ۴۶۳۷- ۴۶۳۹، ابونعیم اصفهانی در حلیة الأولیاء: ۱/ ۶۴، ابن عبدالبرّ در الاستیعاب: ۳/ ۱۱۰۲، خطیب بغدادی در تاریخ بغداد: ۴/ ۳۴۸ و ۷/ ۱۷۳ و ۱۱/ ۴۸ و ۴۹، ابن مغازلی در مناقب الإمام علی علیه السّلام: حدیث‌های ۱۱۵- ۱۲۰- ۱۲۹، دیلمی در فردوس الأخبار: ۱/ ۴۲، حدیث ۱۰۹، بغوی در مصابیح السنّه: ۴/ ۱۷۴، حدیث ۴۷۷۲، ابن عساکر در تاریخ مدینة دمشق: ۴۲/ ۳۷۸- ۳۸۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۷۸

دانسته‌اند. «۱» ممکن است طرف مقابل بگوید: ابوبکر و ... نیز دروازه‌های شهر علم هستند! «۲» اما شیعی در پاسخ او در پرتو کتاب‌های اهل سنّت جهل و نادانی ابوبکر، عمر و عثمان را ثابت می کند که آن‌ها از ساده‌ترین مسائل دینی

---

(۱). از جمله کسانی که این حدیث را صحیح دانسته‌اند می‌توان به این علما اشاره نمود: یحیی بن معین در نقل کنز العمّال: ۱۳/ ۱۴۸، حدیث ۳۶۴۶۴، ابن جریر طبری در تهذیب الآثار به نقل از فتح الملك العلی: ۳۳، حاکم نیشابوری و خطیب بغدادی که در پاورقی قبل اشاره شد، حافظ ابومحمّد حسن بن احمد سمرقندی در بحر الأسانید فی صحاح المسانید به نقل از فتح الملك العلی: ۵، جلال الدین سیوطی در جمع الجوامع به نقل از فتح الملك العلی: ۳۳، متّقی هندی در کنز العمّال: ۱۳/ ۱۴۹، احمد بن محمّد بن صدّیق غماری در فتح الملك العلی.

(۲). دیدگاه فوق برگرفته از حدیث «أصحابی کالنجوم؛ ... اصحاب من مثل ستارگانند» و نیز این روایت دیلمی است که در فردوس الأخبار: ۱/ ۴۲، حدیث ۱۰۸ آمده: «أنا مدینة العلم وأبوبکر أساسها، عمر حیطانها و عثمان سقفها؛ ... من شهر علم هستم، ابوبکر پی آن، عمر دیوارهای آن و عثمان سقف آن را تشکیل می‌دهند »....

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۷۹

نیز بی‌اطلاع بوده‌اند تا جایی که اصحابِ نادانی چون مغیرة بن شعبه و دیگران، آن‌ها را با مسائل مذکور آشنا کرده‌اند. «۱» ممکن است در این موقع برخی از اهل سنّت ناچار باشند که بگویند: «علی» در حدیث مذکور، عَلَم (یا اسم خاص) نیست؛ بلکه، صفت

دروازه و به معنای «مرتفع» می‌باشد. «۲» در پاسخ او باید گفت: چندین تن از علمای اهل تسنّن، دیدگاه فوق را تقبیح نموده و تعدادی نیز به تمسخر آن پرداخته‌اند «... ۳»

استدلال به حدیث «طیر ...» ص: ۷۹

شیعه در استدلال دیگر، به حدیث طیر اشاره می‌کند و می‌گوید:

در روایتی آمده است: روزی برای پیامبر اکرم صلی اللّه علیه وآله پرنده بریانی را آوردند تا میل نماید. در این حال فرمودند:

---

(۱). از جمله این مسائل می‌توان به مسأله کلاله، واژه أبّ، چگونگی تیمّم و مسأله ارث و مهریه زنان اشاره نمود. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک: دایرة المعارف الغدیر اثر علّامه امینی قدّس سرّه جلدهای ۶- ۸.

(۲). خوارج و برخی دیگر، این ادّعا را مطرح کرده‌اند، ر. ک: زین الفتی فی شرح سورة هل أتی: ۱/ ۱۶۳، حدیث ۶۲.

(۳). همانند ابن حجر مکّی در المنح المکیّة- شرح القصیدة الهمزیّة، و مناوی در فیض الغدیر شرح الجامع الصّغیر: ۳/ ۶۰، حدیث ۲۷۰۴ و کتاب‌های دیگر.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۸۰

اللهم ائتنی بأحب خلقك إلیك وإلی رسولك یأكل معی من هذا الطیر؛

خدایا! محبوب‌ترین فرد برای خود و رسولت را بفرست تا همراه من از این پرنده تناول نماید.

پس از اندکی حضرت علی علیه السلام آمد و همراه پیامبر اکرم صلی اللّه علیه وآله از آن پرنده میل کرد.

اکنون به تشویش و اضطراب بزرگان اهل سنّت در مقام پاسخ‌گویی به این استدلال شیعه توجه کنید:

یکی از اهل سنّت، ادعای دروغ و جعلی بودن این حدیث را مطرح کرده است! «۱» اما باید گفت که تعدادی از پیشوایان بزرگ اهل سنّت، این حدیث را نقل کرده‌اند. این حدیث از سندهای فراوان و راویان مورد اعتماد بهره می‌برد و علمای جرح و تعدیل اهل سنّت، موردِ اعتماد بودنِ آن‌ها را تأکید کرده‌اند. «۲»

---

(۱). منهاج السنّة: ۷/ ۳۷۱.

(۲). برای مثال ر. ک: سنن ترمذی: ۵/ ۵۹۵، حدیث ۳۷۲۱، السّنن الکبری، نسائی: ۵/ ۱۰۷، حدیث ۸۳۹۸، مسند ابی یعلی: ۷/ ۱۰۵، حدیث ۱۲۹۷، المعجم الکبیر: ۱/ ۲۵۳، حدیث ۷۳۰، المعجم الأوسط: ۶/ ۴۱۸، حدیث ۶۵۶۱، المستدرك علی الصحیحین: ۳/ ۱۴۲، حدیث ۱۳۲، مجمع الزوائد: ۹/ ۱۲۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۸۱

عالمان اهل سنّت- در ردّ این حدیث صحیح که به صراحت، برتری امیر مؤمنان علی علیه السلام را مورد تأکید قرار می‌دهد- دست به دامن احتمالات توخالی و دلایل بی‌ارزش شده و چنین گفته‌اند:

احتمال دارد دعای پیامبر صلی اللّه علیه وآله از آن رو بوده که تنهایی غذا خوردن را دوست نداشته است!

احتمال دارد علی علیه السلام، تنها در تناول غذا، محبوب‌ترین فرد برای خدا و رسول بوده است!

احتمال دارد مقصود پیامبر از «خدایا! محبوب‌ترین فرد برای خود و رسولت را بفرست » ... این بوده است که: خدایا! فردی را بفرست که جزء محبوب‌ترین انسان‌ها برای تو و رسولت باشد !...

این احتمالات ادامه می‌یابد و سرانجام احتمال آخر این گونه مطرح می‌گردد:

احتمال دارد ابوبکر و عمر در آن موقع، در مدینه منوّره حضور نداشته‌اند!!

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۸۲

موضع شیعه در برابر هجوم مخالفان ... ص: ۸۲

اشارة

همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، شیعه امامیه اثناعشریه کتاب‌هایی را در زمینه اصول دین؛ به ویژه در امامت به رشته تحریر درآورده‌اند. در این زمینه فعالیت علمای شیعه را در نگارش این کتاب‌ها می‌توان به دو بخش، تقسیم کرد:

۱. نگارش کتاب‌های استدلالی ... ص: ۸۲

علمای شیعه به منظور اثبات استدلالیِ اصول دین و به ویژه امامت، کتاب‌هایی نگاشته‌اند. در این کتاب‌ها عقاید شیعه و ادلّه آن مورد اشاره قرار گرفته و گاه با عقاید دیگر فرقه‌های اسلامی، مقایسه شده است. از این کتاب‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. اوائل المقالات: اثر شیخ مفید بغدادی.

۲. الذخیرة فی علم الکلام: نوشته سید مرتضی موسوی بغدادی.

۳. الإقتصاد الهادی إلی الرّشاد: تألیف شیخ ابوجعفر طوسی.

۴. تجرید الاعتقاد: اثر شیخ نصیرالدین طوسی.

هم‌چنین کتاب‌های علّامه حلّی رحمه اللّه همانند کتاب نهج الحقّ وکشف الصّدق که به تفصیل درباره آن سخن خواهیم گفت.

۲. نگارش کتاب‌هایی در رد مخالفان ... ص: ۸۳

علمای شیعه در مقام پاسخ گویی یا نقض کتاب‌های ضدّ شیعی

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۸۳

مخالفان نیز کتاب‌هایی نوشته‌اند.

به نظر می‌رسد که این بخش از کتاب‌های علمای شیعه، افزون‌تر از کتاب‌های بخش نخست است؛ چرا که مخالفان شیعه از زمان‌های دور، از روی لجاجت و انکار حقایق، عقاید شیعه را با فحش و ناسزاهای خود، مورد حمله قرار داده و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند...

برای نمونه پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله در حدیثی فرموده‌اند:

مثل أهل بیتی فیکم کمثل سفینة نوح، من رکبها نجا ومن تخلّف عنها هلك؛ «۱»

اهل بیت من در میان شما هم‌چون کشتی نوح هستند. هر کس سوار آن شود نجات می‌یابد و هر کس از آن روی گرداند هلاک می‌شود.

برخی از اهل سنّت به راحتی این حدیث را انکار کرده و می گویند: این حدیث، دروغ و جعلی است! «۲»

---

(۱). برای مثال ر. ك: المعارف، ابن قتیبه: ۱۴۶ در ضمن شرح حال ابوذر غفاری، المعجم الکبیر، طبرانی: ۳/ ۴۵، حدیث ۲۶۳۶- ۲۶۳۸، المعجم الأوسط: ۶/ ۱۴۷، حدیث ۵۸۷۰، المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۶۳، حدیث ۴۷۲۰، مشکاة المصابیح: ۳/ ۳۷۸،

حدیث ۶۱۷۳ به نقل از احمد بن حنبل، الصواعق المحرقه: ۲۳۴ به نقل از مسلم.

(۲). ذهبی در میزان الإعتدال: ۶/ ۴۹۹، شماره ۸۷۳۴ در شرح حال مفضّل بن صالح می گوید: «حدیث کشتی نوح، بسیار ناشناخته است»!

هم‌چنین پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله در حدیث دیگری فرمود:

خلقت أنا وعلی من نور واحد؛ «۱»

من و علی از یک نور، آفریده شده‌ایم.

برخی از اهل سنّت به آسانی می گویند: این حدیث به اجماع اهل سنّت، جعلی و ساختگی است «... ۲» هم‌چنین پیش‌تر گذشت که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله در حدیثی فرمود:

اللهمّ ائتنی بأحب خلقک إلیک وإلی رسولک؛ «... ۳»

خدایا! محبوب‌ترین فرد برای تو و رسولت را بفرست...

آنان به راحتی می گویند: هیچ یک از نویسندگان صحاح این حدیث را نقل ننموده و ائمه حدیث نیز، صحّت آن را تأیید نکرده‌اند. «۴» هم‌چنین آنان به آسانی می‌توانند در مورد حدیث غدیر «۵» بگویند:

---

(۱). برای آگاهی بیشتر ر. ک: فضائل الصّحابه، احمد بن حنبل: ۲/ ۸۲۳، حدیث ۱۱۳۰، المناقب، خوارزمی: ۱۴۵ حدیث ۱۶۹ و ۱۷۰، فردوس الأخبار: ۲/ ۱۸۷ حدیث ۴۸۸۴، تاریخ مدینهٔ دمشق: ۴۲/ ۶۷.

(۲). ر. ک: تحفهٔ إثنا عشریه: ۲۱۵ و ۲۱۶.

(۳). ر. ک صفحه ۸۰ از همین کتاب.

(۴). ر. ک: منهاج السّنهٔ: ۷/ ۳۷۱.

(۵). ر. ک صفحه ۷۴ از همین کتاب.

هیچ یک از ائمه، واژه «مولی» را به معنای «أولی» نمی‌دانند. «۱» نمونه دیگر حدیث ثقلین است. در آن حدیث ارزشمند پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

إنّی تارک فیکم الثقلین، أحدهما أکبر من الآخر: کتاب اللَّه حبل ممدود من السماء إلی الأرض، وعترتی أهل بیتی، وإنّهما لن یفترقا حتّی یردا علَیَّ الحوض؛ «۲»

من دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می گذارم که یکی از دیگری بزرگ‌تر است: کتاب خدا که هم‌چون ریسمانی از آسمان به سوی زمین کشیده شده است و عترتم اهل بیتم، این دو هیچ گاه از هم جدا نمی‌شوند تا این که در کنار حوض بر من وارد شوند.

برخی از اهل سنّت به راحتی این حدیث را تغییر داده و می گویند: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود ...: « کتاب خدا و سنّتم». «۳» پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله در حدیث بستن درها فرمود:

---

(۱). ر. ک صفحه ۷۶ از همین کتاب.

(۲). برای نمونه ر. ک: سنن ترمذی: ۵/ ۶۲۱ و ۶۲۲، حدیث ۳۷۸۶ و ۳۷۸۸، مسند أحمد: ۳/ ۱۴ و ۱۷ و ۲۶ و ۵۹، سنن درامی: ۲/ ۲۹۲، حدیث ۳۳۱۱، المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۱۸، حدیث ۴۵۸۶ و ۴۵۷۷، السنن الکبری، بیهقی: ۷/ ۳۰، مجمع الزوائد: ۹/

.۱۶۳

(۳). الموطّأ: ۷۸۵، حدیث ۳، سنن دارقطنی: ۴/ ۱۳۶، حدیث ۴۵۵۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۸۶

امرت بسدّ الأبواب إلّاباب علی؛ «۱»

خداوند به من فرمان داد تا همه درها را ببندم به جز در خانه علی.

در این باره به آسانی می گویند: این فضیلت از آنِ ابوبکر است، امّا شیعیان آن را به نفع علی تغییر داده‌اند «...! ۲» پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله در حدیث منزلت به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

أما ترضی أن تکون منّی بمنزلهٔ هارون من موسی؛ «۳»

آیا خشنود نیستی که برای من، هم‌چون هارون برای موسی باشی؟

برخی از اهل سنّت به راحتی می گویند: این حدیث بر عموم منزلت دلالت نمی کند. «۴»

---

(۱). سنن ترمذی: ۵/ ۵۹۹، حدیث ۳۷۳۲، السنن الکبری، نسائی: ۵/ ۱۱۳، حدیث ۸۴۰۹ و ص ۱۱۸، حدیث ۸۴۲۳ و ۸۴۲۵، مسند أحمد: ۱ / ۱۷۵، مسند ابی یعلی: ۲ / ۶۱، حدیث ۷۰۳، المعجم الکبیر: ۲ / ۲۴۶، حدیث ۲۰۳۱ و ج ۱۲ / ۷۸، حدیث ۱۲۵۹۴، المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۳۵، حدیث ۴۶۳۱ و ص ۱۴۴، حدیث ۴۶۵۲.

(۲). ر. ک: الموضوعات، ابن جوزی: ۱/ ۳۶۶، تذکرهٔ الموضوعات، فتنی: ۹۵.

(۳). برای مثال نگاه کنید به: صحیح بخاری: ۵/ ۸۹، حدیث ۲۰۲، صحیح مسلم: ۷/ ۱۲۰، سنن ترمذی: ۵/ ۵۹۹، حدیث ۳۷۳۱، سنن ابن ماجه: ۱/ ۴۲، حدیث ۱۱۵، السنن الکبری، نسائی: ۵/ ۴۴، حدیث ۸۱۳۸، مسند أحمد: ۱/ ۱۷۰ و ۱۷۷، مسند بزّار: ۳/ ۲۷۸، حدیث .۱۰۶۸

(۴). ر. ک: به مفهوم این سخن در الإرشاد، جوینی: ۳۳۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۸۷

روشن است که هر یک از گفته‌های مذکور، از یک یا دو خطّ فراتر نمی‌رود، امّا چنان که پیداست، پاسخ گویی به آن‌ها، مباحثات فراوانی را می‌طلبد و چه بسا به یک کتاب مستقل نیاز داشته باشد.

و از این روست که تألیفات امامیّه در پاسخ گویی و نقض شبهات مخالفان، فراوان شده است و علمای شیعه غالباً در مقام دفاع از مبانی مذهب جعفری و اصول دین هستند و چه بسا هیچ کتابی را نیابیم که نوشتن آن به منظور حمله به مخالفان صورت گرفته باشد.

جاحظ و سید بن طاووس ... ص: ۸۷

جاحظ، متوفّای سال ۲۵۵ هجری کتاب عثمانیه را در حمله به شیعه تألیف کرد و آن را از دروغ، انکار ضروریّات و ردّ بدیهیات پر کرد تا جایی که کوشید شجاعت امیر مؤمنان علی علیه السلام را نیز انکار کند. «۱» مسعودی در این باره می گوید: هدف جاحظ از نگارش این کتاب میراندن حق و مخالفت با اهل حق بود، اما خداوند نور خود را کامل می کند، هر چند کفرورزان را خوش نیاید. «۲» اما خود جاحظ بعدها به نقض کتاب خود پرداخت و نخستین

---

(۱). رک: العثمانیه: ۴۵- ۵۰.

(۲). مروج الذهب: ۳/ ۲۳۷.

کسی بود که در مقام پاسخ گویی به کتاب عثمانیه برآمد. «۱» پس از او گروهی از علمای امامیّه و دیگران در پاسخ به کتاب عثمانیّه، به نگارش پژوهش‌هایی پرداختند که به «نقض عثمانیه» شهرت یافت. از این علما می‌توان ابوجعفر اسکافی معتزلی، متوفّای سال ۲۴۰، مسعودی نگارنده مروج الذّهب، متوفّای سال ۳۴۶ و سید جمال الدین ابن طاووس حلّی، متوفّای سال ۶۷۳ در کتاب چاپ شده بناء المقالة الفاطمیه را نام برد.

قاضی عبدالجبّار و سید مرتضی ... ص: ۸۸

قاضی عبدالجبّار بن احمد معتزلی، متوفای سال ۴۱۵ هجری نیز کتاب المغنی را به رشته تحریر درآورد و طی آن به ردّ و نقد عقاید امامیّه به ویژه در بخش امامت پرداخت.

در مقدمه کتاب الشافی آمده است:

قاضی عبدالجبّار در کتاب المغنی جمع آوری شبهات را به اوج رساند و استدلال‌های مستحکم مورد استناد شیوخ خود را نقل کرد؛ وی به اجتهاد خود، مقداری بر استدلال‌های مذکور افزود و به ابتکار

---

(۱). الفهرست، ابن ندیم: ۲۹۴.

خود به جرح و تعدیل برخی مواضع پرداخت. «۱» سیّد مرتضی، متوفّای سال ۴۳۶ هجری در پاسخ به قاضی عبدالجبّار، کتاب الشافی فی الإمامه را به رشته تحریر درآورد؛ بعدها شیخ ابوجعفر طوسی، شاگرد سیّد مرتضی و متوفّای سال ۴۶۰، کتاب استادش را خلاصه نویسی کرد که این کتاب با نام تلخیص الشافی شهرت یافت.

شهاب الدین شافعی و شیخ نصیرالدین قزوینی ... ص: ۸۹

شهاب الدین شافعی حنفی رازی- از بنی مشّاط- نیز کتابی به نام بعض فضائح الروافض را تألیف کرد و طی آن، تشیّع را مورد حمله قرار داد.

به همین جهت شیخ نصیرالدین عبدالجلیل بن یوسف ابوالحسن قزوینی «۲» - که در عصر شهاب الدین شافعی می‌زیست- در پاسخ به وی، کتاب مثالب النّواصب فی نقض بعض فضائح الروافض را به رشته تحریر درآورد. شایان ذکر است که این کتاب به چاپ رسیده است.

---

(۱). الشافی فی الإمامه: ۱/ ۳۳.

(۲). وی به سال ۵۵۶، در قید حیات بود. برای آگاهی بیشتر در این باره ر. ک: معجم المؤلفین: ۲/ ۴۹، شماره ۶۵۵۸.

ابن تیمیّه حرّانی و پاسخ به دیدگاه او ... ص: ۹۰

بعدها احمد بن عبدالحلیم حرّانی ابن تیمیّه، کتاب منهاج السُّنّه را تألیف و ادّعا نمود که این کتاب را در پاسخ به کتاب منهاج

الکرامه اثر علّامه حلّی رحمه اللّه نگاشته است.

امّا باید گفت که کتاب ابن تیمیّه از آغاز تا پایان، از ناسزا و افترا مملو است و در مجموع، دشمنی با امیر مؤمنان علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام در آن موج می‌زند.

یکی از معاصرین ابن تیمیّه در پاسخ به او، کتاب الإنصاف والإنتصاف لأهل الحقّ من أهل الإسراف را به سال ۷۵۷ به رشته تحریر درآورد.

سیّد مهدی قزوینی، درگذشته سال ۱۳۴۸ هجری نیز کتاب منهاج الشریعه را در پاسخ به کتاب ابن تیمیّه تألیف نمود.

بنده نیز در این زمینه، کتاب دراسات فی منهاج السنّهٔ را نگاشته‌ام. این کتاب وزین به چاپ رسیده است و در کشورهای دیگر در دست‌رس همگان قرار دارد.

هم‌چنین کتاب شرح منهاج الکرامهٔ را نیز در پاسخ به منهاج السنّهٔ به رشته تحریر درآورده‌ام که جلد اوّل آن به چاپ رسیده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۹۱

یوسف اعور واسطی و شیخ عزّ الدین حلّی ... ص: ۹۱

یوسف اعور واسطی شافعی نیز کتاب الرّسالهٔ المعارضهٔ فی الرّد علی الرافضه را تألیف کرده است.

شیخ عزّ الدین حسن بن شمس الدّین مهلّبی حلّی در سال ۸۴۰ کتاب الأنوار البدریهٔ فی کشف شبه القدریه را در پاسخ به کتاب یوسف اعور، نگاشته است. وی می گوید:

من در این کتاب، تنها به آن بخش از احادیث نبوی استناد کرده‌ام که توسّط مخالفان (اهل سنّت) به ثبوت رسیده است و از روش بحث و شیوه این ناصبی (یوسف اعور) در کتاب الرّسالهٔ المعارضهٔ فی الرّد علی الرافضه پرهیز نموده‌ام. «۱» شیخ نجم الدّین خضر بن محمّد حبلرودی رازی نیز در پاسخ به کتاب یوسف اعور، کتاب التوضیح الأنور فی دفع شبه الأعور را به سال ۸۳۹ در شهر حلّه عراق، به رشته تحریر درآورده است.

ابن حجر هیتمی مکّی و قاضی نور اللّه شوشتری ... ص: ۹۱

ابن حجر هیتمی مکّی، متوفای سال ۹۷۴ نیز کتاب الصواعق المحرقهٔ فی الرّد علی أهل البدع والزندقه را تألیف نمود. وی در مقدّمه این

---

(۱). نگاه کنید به: الذریعهٔ: ۲/ ۴۱۹، شماره ۱۶۵۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۹۲

کتاب می‌نویسد:

در گذشته از من خواستند تا کتابی در اثبات صحّت خلافت ابوبکر صدّیق و امارت عمر بن خطّاب، بنویسم؛ من نیز در راستای خدمت‌گزاری هر چه سریع‌تر به ایشان، به این درخواست پاسخ دادم و به حمد اللّه، کتابی را تألیف کردم که الگویی دلنشین، روشی گران قدر و راهی استوار به شمار می‌رود!

آن گاه از من خواستند تا به جهت فزونی شیعیان، رافضی‌ها و مانند آن‌ها- که اکنون در مکّه مکرّمه گران قدرترین سرزمین اسلامی حضور دارند- کتاب فوق را در رمضان سال ۹۵۰ در مسجد الحرام قرائت نمایم. من هم درخواست آن‌ها را اجابت نمودم به این امید که برخی گمراه شدگان از روشن‌ترین راه، هدایت یابند «... ۱» قاضی نور اللّه شوشتری که به سال ۱۰۱۹ در هندوستان به

شهادت رسید در مقام پاسخ گویی به ابن حجر، کتاب الصوارم المهرقة فی الرّد علی الصواعق المحرقه را تألیف نمود که تا کنون چندین بار به چاپ رسیده است.

فردی به نام محمّد نصر اللَّه کابلی- که نامش ناشناخته و احتمال دارد مستعار باشد- کتاب الصواقع الموبقة را به رشته تحریر درآورد.

---

(۱). الصواعق المحرقة: ۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۹۳

مولوی عبدالعزیز دهلوی و سید میر حامد حسین لکهنوی ... ص: ۹۳

آن گاه مولوی عبدالعزیز دهلوی، درگذشته سال ۱۲۳۹ هجری مطالب محمّد نصر اللَّه کابلی را اقتباس نمود و در کتاب خود به نام تحفه اثنا عشریه- که به زبان فارسی نگارش یافته است- راه وی را در پیش گرفته است ... این کتاب، شیعه اثنا عشری را در زمینه های اصول، فقه و ... آماج هجوم خود قرار می‌دهد.

نعمان آلوسی بغدادی، چکیده کتاب مذکور را به زبان عربی و با نام مختصر التحفة الإثنا عشریه منتشر نمود. بعضی از پیروان بنی امیّه و دشمنان دین اسلام، دروغ‌ها و یاوه گویی‌های خود را در قالب حواشی به این کتاب افزود و دست‌های گنهکار که از دنباله روان کفر جهانی بودند، چندین بار آن را به چاپ رسانده‌اند.

علمای بزرگ شیعه در هندوستان، کتاب‌های فراوانی را در پاسخ به ابواب مختلف تحفه اثنا عشریه به رشته تحریر در آوردند، همه ادّعاها و تحریفات این کتاب را تکذیب نموده و سخنان باطل آن را برملا ساختند.

سید میر حامد حسین نیشابوری لکهنوی، متوفّای سال ۱۳۰۶ در کتاب بزرگ عبقات الأنوار فی إثبات إمامة الأئمّة الأطهار، به بخش امامت تحفه اثنا عشریه پاسخ داد و به بررسی و نقد آن پرداخت.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۹۴

البته کتاب‌های دیگری نیز در پاسخ به مختصر التحفه به نگارش در آمده است.

برای اطلاع از جزئیات کتاب عبقات الأنوار و دیگر نقدها بر کتاب تحفه اثنا عشریه می‌توانید به کتاب دراسات فی کتاب العبقات «۱»

تألیف نگارنده، مراجعه نمایید.

گفتنی است که نگارش کتاب‌های ضد شیعی تا زمان معاصر ادامه یافته و حتی رو به فزونی نیز نهاده است. علمای اهل سنّت هم‌چنان به تکرار ناسزاگویی‌ها، دروغ‌ها، تهمت‌ها و سخنان باطل گذشتگان خود ادامه می‌دهند و علمای امامیّه نیز به نیکویی در مقام پاسخ گویی به تهمت‌ها و دروغ‌های آنان برمی‌آیند.

علمای امامیّه هم‌چنان در موضع دفاع از مذهب خود قرار دارند و هجوم تبلیغاتی کشورهای مختلف را پاسخ می‌گویند.

نگاهی به کتاب نهج الحقّ و کشف الصّدق ... ص: ۹۴

همان گونه که پیش‌تر اشاره شد کتاب نهج الحقّ وکشف الصّدق، نوشته علّامه حلّی رحمه اللَّه، از کتاب‌های شیعی در زمینه اصول دین به

---

(۱). این کتاب هم به طور مستقل و هم در مقدمه جلد نخست نفحات الأزهار فی خلاصهٔ عبقات‌الأنوار به چاپ رسیده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۹۵

شمار می‌رود. اکنون به معرّفی اجمالی این کتاب می‌پردازیم تا از این طریق با موضوعات کتاب‌های شیعه و شیوه‌های علمای امامیّه در پرداختن به اصول دین، آشنا شویم.

علّامه حلّی رحمه اللَّه این کتاب را به بررسی اصولین و فقه، اختصاص داده است. کتاب مذکور، دیدگاه‌های شیعه پیرامون این علوم سه گانه را با نظرات مخالفان، مقایسه نموده است و یکی از بهترین کتاب‌های تطبیقی در میان کتاب‌های اسلامی به شمار می‌رود.

علّامه حلّی رحمه اللَّه در مقدّمه این کتاب می‌نویسد:

ما در این کتاب که نهج الحقّ وکشف الصّدق نام دارد، به اختصار سخن گفته و از پرگویی پرهیز نموده‌ایم. در این کتاب، به بررسی معدودی مسائل آشکار و واضح اکتفا کرده و برای مقلّدانِ وابسته به فرقه‌های ضدّ شیعی روشن ساخته‌ایم که رؤسا و مجتهدان آن‌ها، قضایای بدیهی را انکار می‌کنند، در مشاهدات حسی، لجاجت می‌ورزند، در زمره فرق سوفسطایی جای می‌گیرند و احکامی را صادر می‌کنند که هیچ عاقل اندیشمندی آن را نمی‌پسندد.

ما از آن جهت مقلدان مذکور را مورد خطاب قرار می‌دهیم که می‌دانیم منصفان آن‌ها در صورت آگاهی از مکتب مراجع تقلید خود،

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۹۶

از آن‌ها بیزاری جسته و راه خود را تغییر می‌دهند. این دسته از مقلدان در صورت کسب آگاهی، به اشتباه و لغزش خود پی می‌برند و مخالفت قول و عمل خود با حق را در می‌یابند.

اگر توده مردم به انصاف تن در دهند، لجاجت و مخالفت را رها کنند، به اذهان سالم و خصلت پاک خود باز گردند و تقلید از نیاکان و اتّکا به سخن رؤسای دنیا طلب، لذّت پرست و بی‌اعتنا به سختی‌های جهان آخرت دست بردارند، به عدالت دست می‌یابند، به اخلاص نزدیک می‌شوند و بالاترین بهره از نجات و رهایی را از آنِ خود می‌کنند.

اما اگر توده مردم، تنها و تنها بر تقلید خود اصرار ورزند خود را به آتش دوزخ خواهند افکند و مصداق این آیه خواهند شد که می‌فرماید:

«إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِینَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِینَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبابُ»؛ «۱»

آن هنگام پیشوایان باطل از پیروان خود بیزاری جویند؛ و عذاب خدا را مشاهده کنند و هر گونه وسیله و اسباب از آن‌ها قطع شود.

---

(۱). سوره بقره: آیه ۱۶۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۹۷

ما این کتاب را برای خدا، کسب ثواب و رهایی از عذاب دردناک دوزخ، به رشته تحریر در آوردیم؛ چرا که کتمان حق و ترک راهنمایی مردم، عذاب دوزخ را به ارمغان می‌آورد «... ۱» عناوین مسائل کتاب نهج الحقّ وکشف الصدق عبارتند از:

۱. ادراک.

۲. نظر.

۳. صفات باری تعالی.

۴. نبوّت.

۵. امامت.

۶. معاد.

۷. اصول فقه.

۸. مسائل مربوط به فقه

علّامه حلّی رحمه اللَّه در هر یک از فروع این مسائل می‌نویسد:

«امامیّه معتقد است»، «اشاعره معتقدند» و «معتزله معتقدند».

وی در استدلال‌ها و نقل دیدگاه‌های دیگران، به مشهورترین و محکم‌ترین کتاب‌های اهل سنّت استناد می‌کند همانند:

---

(۱). نهج الحقّ وکشف الصدق: ۳۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۹۸

۱. صحاح ششگانه...

۲. الجمع بین الصحیحین...

۳. مسند أحمد بن حنبل...

۴. کتاب الأم، شافعی...

۵. السنن الکبری، بیهقی...

۶. مصابیح السنّهٔ، بغوی...

۷. المغازی، واقدی...

۸. تاریخ طبری...

۹. أنساب الأشراف، بلاذری...

۱۰. الاستیعاب، ابن عبدالبرّ...

۱۱. إحیاءُ علوم الدین، غزّالی...

۱۲. المغنی، قاضی عبدالجبّار...

۱۳. الکشّاف، زمخشری...

۱۴. التفسیر الکبیر، رازی...

علّامه حلّی رحمه اللَّه در اغلب موارد- پس از دو یا چند نقل قول- خوانندگان و طرفداران دیگر مذاهب را مورد وعظ و نصیحت قرار می‌دهد؛ برای مثال در یکی از قسمت‌های کتاب وی این گونه می‌خوانیم:

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۹۹

خواننده خردمند باید هر دو سخن و مذهب را نیک بنگرد، در ترجیح یکی بر دیگری انصاف به خرج دهد، دلیل واضح و صحیح را مورد استناد قرار دهد، تقلید نیاکان و شیوخ هوسران و شیفته زندگی دنیا را رها سازد، خود را نصیحت نماید و به دیگران اتّکا نکند؛ چرا که در روز قیامت عذرهایی چون «من از فلان شیخ تقلید کردم» و «پدران و نیاکانم را بر این اعتقاد یافتم»، پذیرفته نیست و سودی به حال انسان نخواهد داشت؛ همان گونه که خدای تعالی در قرآن کریم تصریح می‌کند که در روز قیامت پیشوایان از پیروان خود بیزاری جسته و از آن‌ها می‌گریزند.

امّا باید پرسید: گوش‌های شنوا و دل‌های آگاه کجا هستند؟!

آیا هیچ عاقلی درمورد صحّت یکی از دو دیدگاه مذکور تردیدی به دل راه می‌دهد؟!

آیا شکّی وجود دارد که دیدگاه امامیّه، بهترین و شبیه‌ترین دیدگاه به دین است «...؟! ۱» همچنین علّامه حلّی رحمه اللَّه در جای دیگری از این کتاب می‌نویسد:

---

(۱). نهج الحق وکشف الصّدق: ۷۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۱۰۰

خردمندان منصف، باید این مسأله را به عقل خود ارجاع دهند، حکم عقل را بپذیرند و از دنباله روی خطاکارانی که در این مسأله به گمراهی رفته‌اند، بپرهیزند؛ چرا که در روز قیامت چنین عذرهایی پذیرفته نیست.

خردمندان منصف، نباید خود را در گروهی جای دهند که خدای تعالی درباره آن‌ها می‌فرماید:

«وَإِذْ يَتَحاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفاءُ لِلَّذينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصيبًا مِنَ النَّارِ»؛ «۱»

و به خاطر بیاور هنگامی را که در آتش دوزخ چون با هم‌دیگر به احتجاج و مجادله برآیند و ضعیفان به مستکبران می گویند: ما از شما پیروی کردیم، آیا می‌توانید امروز شما نیز به عوض آن، سهمی از آتش را به جای ما بپذیرید؟ «۲» عبارات فوق بیان‌گر روش علامه حلّی رحمه اللَّه در این کتاب و نیز روش همه علمای امامیّه است.

وآخر دعوانا أن الحمد للَّه ربّ العالمین.

---

(۱). سوره غافر: آیه ۴۷.

(۲). نهج الحق و کشف الصّدق: ۱۰۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۱۰۱

کتابنامه ... ص: ۱۰۱

۱. قرآن کریم.

الف

۲. الابتهاج بتخریج أحادیث المنهاج: عبداللَّه بن محمد الصدیق بن احمد حسنی ادریسی.

۳. اتحاف السادهٔ المتقین: زبیدی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

۴. الاحسان بترتیب صحیح ابن حبان: ابوالحسن علی بن بلبان فارسی حنفی.

۵. الأربعین فی اصول الدّین: فخرالدین رازی، مکتبه کلیات الأزهر، قاهره، مصر، چاپ یکم، سال ۱۴۰۶.

۶. الإرشاد إلی قواطع الأدلّهٔ فی اصول الاعتقاد: ابوالمعالی عبدالملک بن یوسف، معروف به امام الحرمین جوینی.

۷. الإستیعاب فی معرفهٔ الأصحاب: ابن عبدالبرّ، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

۸. الاعلام: زرکلی، دار العلم للملایین، بیروت، لبنان، سال ۱۹۹۷ م.

۹. الإفصاح فی إمامهٔ أمیر المؤمنین علیه السلام: ابوعبداللَّه محمّد بن محمّد بن نعمان عکبری بغدادی، ملقب به شیخ مفید رحمه اللَّه.

۱۰. إکمال الدین وإتمام النعمهٔ: ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق رحمه اللَّه، مکتبه صدوق، تهران، سال ۱۳۹۰.

۱۱. الألفین فی إمامهٔ أمیر المؤمنین علیه السلام: جمال الدین حسن بن یوسف مطهّر حلّی، مکتبهٔ الألفین، کویت، سال ۱۴۰۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۱۰۲

۱۲. أعیان الشیعه: سید محسن امین، دار التعارف، بیروت، لبنان، سال ۱۴۰۳.

۱۳. أمل الآمل فی علماء جبل عامل: شیخ محمّد بن حسن حرّ عاملی.

ب

۱۴. الباب الحادی عشر: ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهّر حلّی، مرکز نشر الکتاب، تهران، ۱۳۷۰ ش.

۱۵. بحر الأسانید فی صحاح المسانید: ابومحمّد حسن بن احمد سمرقندی.

۱۶. البحر المحیط فی تفسیر القرآن: ابوحیّان محمّد بن یوسف بن علی بن یوسف بن حیّان اندلسی جیانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.

۱۷. البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع: محمّد بن علی بن محمّد شوکانی، دار المعرفه، بیروت.

ت

۱۸. تأسیس الشیعة لعلوم الإسلام: سید حسن صدر، از منشورات اعلمی، تهران.

۱۹. تاریخ الکبیر: محمد بن اسماعیل بخاری جعفی، دار الفکر، بیروت، لبنان.

۲۰. تاریخ بغداد: احمد بن علی خطیب بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

۲۱. تاریخ مدینة دمشق: حافظ ابوالقاسم علی بن حسن، معروف به ابن عساکر، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۲۱.

۲۲. تثبیت الإمامة وترتیب الخلافه: ابونعیم احمد بن عبداللّٰه اصفهانی.

۲۳. تحفهٔ إثنا عشریه: شاه عبدالعزیز دهلوی، نورانی، کتابخانه، پیشاور، پاکستان.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۱۰۳

۲۴. تذکرة الموضوعات: محمّد طاهر بن علی هندی فتنی.

۲۵. تفسیر الطبری (جامع البیان): محمّد بن جریر طبری، دار الفکر، بیروت، لبنان، ۱۴۱۵.

۲۶. تفسیر الکشّاف: ابوالقاسم جاراللّٰه محمود بن عمر زمخشری، شرکت مکتبه و مطبعه مصطفی بابی حلبی، مصر، سال ۱۳۸۵.

۲۷. تفسیر فخر رازی (تفسیر الکبیر): فخر رازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.

۲۸. تمهید الأوائل وتلخیص الدلائل: قاضی ابوبکر محمد بن طیب باقلانی، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، لبنان.

۲۹. تنویر المقباس من تفسیر ابن عبّاس: ابوطاهر محمّد بن یعقوب فیروزآبادی.

۳۰. تهذیب الآثار: محمّد بن جریر طبری، مطبعه مدنی، مؤسسه السعودیه، مصر، سال ۱۴۰۲.

ج

۳۱. جامع الأحادیث: جلال الدین سیوطی، دار الفکر، بیروت، سال ۱۴۱۴ ه.

۳۲. جمع الجوامع: جلال الدین سیوطی.

ح

۳۳. حلیة الأولیاء: ابونعیم احمد بن عبداللّٰه اصفهانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۱۰۴

د

۳۴. الدرر الکامنة فی أعیان المائة الثامنة: احمد بن علی بن حجر عسقلانی، دار الجیل، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

ذ

۳۵. الذریعهٔ إلی تصانیف الشیعه: شیخ آقا بزرگ تهرانی، دار الأضواء، بیروت، لبنان، سال ۱۴۰۳.

۳۶. الذرّیهٔ الطاهره: محمّد بن احمد انصاری رازی دولابی، تحقیق سیّد محمّد جواد حسینی جلالی، مؤسّسه نشر اسلامی، قم، ایران، سال ۱۴۰۷.

ر

۳۷. ریاض العلماء وحیاض الفضلاء: عبداللّه افندی اصفهانی، کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی، قم، سال ۱۴۰۷.

ز

۳۸. زوائد مسند أحمد: عبداللّه بن احمد بن حنبل شیبانی.

۳۹. زین الفتی فی شرح سورهٔ هل أتی: احمد بن محمّد عاصمی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۸.

س

۴۰. سنن ابن ماجه: ابوعبداللّه محمّد بن یزید قزوینی، مشهور به ابن ماجه، دار الفکر، بیروت، لبنان.

۴۱. سنن ابی داود: ابی داوود سلیمان بن اشعث سجستانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۱۰۵

۴۲. السنن الکبری: احمد بن حسین بیهقی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴.

۴۳. السنن الکبری: احمد بن شعیب نسائی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۱.

۴۴. سنن تِرمذی: محمّد بن عیسی بن سوره تِرمذی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳.

۴۵. سنن دارقطنی: علی بن عمر دارقطنی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

۴۶. سنن دارمی: عبداللّه بن رحمان دارمی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

۴۷. السنّهٔ: ابن ابی عاصم.

۴۸. السیرهٔ الحلبیّهٔ: علی بن برهان الدین حلبی، مکتبهٔ التجاریهٔ الکبری، قاهره، مصر، سال ۱۳۸۲.

۴۹. السیرهٔ النبویه: عبدالملک بن هشام حمیری، قاهره، مصر، سال ۱۳۸۳.

ش

۵۰. الشافی فی الامامه: سید مرتضی علی بن حسین موسوی، اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۱۰.

۵۱. شرح المختصر فی الاصول: عثمان بن عمر بن حاجب مالکی، مکتبه امیریه، مصر، چاپ یکم، سال ۱۳۱۶.

۵۲. شرح المقاصد فی علم الکلام: سعدالدین بن مسعود بن عمر تفتازانی، از منشورات شریف رضی، قم، ایران، چاپ یکم، سال ۱۴۰۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌وگفت، ... ص: ۱۰۶

۵۳. شرح منهاج الکرامهٔ فی معرفهٔ الإمامه: سید علی حسینی میلانی، نشر الحقائق، چاپ یکم، سال ۱۴۲۸.

۵۴. شرح نهج البلاغه: عزّالدین عبدالحمید بن ابی الحدید معتزلی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۳۸۷.

ص

۵۵. صحیح ابن حبان: عبداللّه بن حبان، مؤسسه الرساله، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۵۶. صحیح بُخاری: محمّد بن اسماعیل بُخاری جُعفی، دار ابن کثیر، دمشق، بیروت، یمامه، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۴.

۵۷. صحیح مُسلم: مُسلم بن حجّاج نیشابوری، مؤسسه عز الدین و دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۷.

۵۸. الصّواعق المُحرقه: احمد بن محمّد بن علی بن حجر هیتمی مکّی، تحقیق عبدالرحمان بن عبداللّه ترکی و کامل محمّد

خرّاط، مؤسسه رسالت، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

ط

۵۹. طبقات أعلام الشیعة: شیخ آقابزرگ تهرانی، دار الکتاب عربی.

۶۰. طبقات الشافعیّه الکبری: ابونصر عبدالوهاب بن تقی الدین سُبکی، دار احیاء الکتب العربیّه.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آدابمناظره‌وگفت، ... ص: ۱۰۷

ع

۶۱. العثمانیة: ابوعثمان عمرو بن بحر بن محبوب لیثی بصری، ملقّب به جاحظ، دار الکتاب، مصر.

غ

۶۲. غایة المرام فی علم الکلام: سیف الدین ابوالحسن علی بن ابوعلی آمدی.

۶۳. الغدیر: علامه عبدالحسین احمد امینی، مرکز الغدیر، قم، ایران، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

۶۴. غیاث الأمم فی التیاث الظلم: ابوالمعالی عبدالملک بن عبداللّه جوینی.

ف

۶۵. الفتاوی الکبری: احمد بن عبدالحلیم مشهور به ابن تیمیه حرّانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

۶۶. فتح الملک العلی بصحة حدیث باب مدینة العلم علی علیه السلام: احمد بن محمّد بن صدیق عماری مغربی، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام، اصفهان، ایران.

۶۷. فردوس الأخبار: شیرویه بن شهردار بن شیرویه دیلمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۸.

۶۸. الفصل فی الأهواء والملل والنحل: ابن حزم اندلسی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

۶۹. فضائل الصحابه: احمد بن حنبل شیبانی، جامعهٔ امّ القری، مرکز بحث العلم واحیاء التراث الاسلامی، مکه، عربستان سعودی، چاپ یکم، سال ۱۴۰۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آدابمناظره‌وگفت، ... ص: ۱۰۸

۷۰. الفهرست: محمد بن اسحاق وراق بن ندیم، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

۷۱. فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر: عبدالرؤوف مَناوی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ک

۷۲. الکافی: محمّد بن یعقوب کلینی رحمه اللّه، دار صعب، دار التعارف، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۰۱.

۷۳. کنز العُمّال: علاء الدین علی متّقی بن حسام الدین هندی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۹.

م

۷۴. مجمع البیان: امین الاسلام ابوعلی فضل بن الحسن طبرسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۷۵. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد: نورالدین علی بن ابی‌بکر هیثمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۷۶. مروج الذهب: علی بن الحسین مسعودی، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

۷۷. المستدرک علی الصحیحین: حاکم نیشابوری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۷۸. المسند: حافظ ابو یعلی احمد بن علی بن مثنی تمیمی موصلی، دار المأمون للتراث، دمشق.

۷۹. مسند احمد بن حنبل: احمد بن حنبل شیبانی، دار احیاء التراث العربی و دار صادر، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آدابمناظره‌وگفت، ... ص: ۱۰۹

۸۰. مسند البزّار: احمد بن عمرو بن عبدالخالق عتکی البزّار.

۸۱. مسند الشامیّین: ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب لخمی طبرانی، مؤسسه الرساله، بیروت، لبنان.

۸۲. مسند طیالسی: سلیمان بن داوود طیالسی، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

۸۳. مشکاة المصابیح: محمد بن عبداللَّه، معروف به خطیب تبریزی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۸۴. مصابیح السنّه: حسین بن مسعود بغوی، دار المعرفه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۷.

۸۵. المصنّف: عبداللَّه بن ابی شیبه کوفی، دار الفکر، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۰۹.

۸۶. المعارف: ابومحمّد عبداللَّه بن مسلم بن قُتَیْبَه، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۷.

۸۷. معانی الأخبار: محمّد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، مکتبه، صدوق، تهران، سال ۱۳۷۹.

۸۸. المعجم الاوسط: سلیمان بن احمد بن ایّوب لخمی طبرانی، دار الحرمین، سال ۱۴۱۵.

۸۹. معجم البلدان: ابوعبداللَّه یاقوت حموی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۰.

۹۰. المعجم الکبیر: ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب لخمی طبرانی، دار احیاء التراث، چاپ دوم، سال ۱۴۰۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۱۱۰

۹۱. معجم المؤلّفین: عمر رضا کحاله، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.

۹۲. معرفة الرّجال: یحیی بن معین.

۹۳. المفردات فی غریب القرآن: ابوالقاسم حسین بن محمّد، معروف به راغب اصفهانی، دار القلم، دمشق، سال ۱۴۱۲.

۹۴. المقنع فی الإمامه: شیخ عبیداللَّه بن عبداللَّه اسدآبادی.

۹۵. الملل والنحل: ابوالفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر احمد شهرستانی، دار السرور، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۳۶۸.

۹۶. مناقب الإمام علی علیه السلام: ابوالحسن علی بن محمد بن مغازلی شافعی، دار الاضواء، بیروت، لبنان.

۹۷. المناقب: موفّق بن احمد بکری مکّی حنفی خوارزمی.

۹۸. المنح المکیّة فی شرح القصیدة الهمزیه: شهاب الدین احمد بن حجر هیتمی مکّی.

۹۹. منهاج السنّه النبویّه: احمد بن عبدالحلیم، مشهور به ابن تیمیّه حرّانی، مکتبهٔ ابن تیمیّه، قاهره، مصر، چاپ دوم، سال ۱۴۰۹.

۱۰۰. منهاج الوصول فی معرفة علم الأصول: ناصر الدین بیضاوی، چاپ شده با الابتهاج بتخریج أحادیث المنهاج.

۱۰۱. المواقف فی علم الکلام: قاضی عضدالدین عبدالرحمان بن احمد ایجی، عالم الکتب، بیروت.

۱۰۲. الموضوعات: عبدالرحمان بن علی بن محمد بن جوزی بکری بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، آداب‌مناظره‌و گفت، ... ص: ۱۱۱

۱۰۳. الموطأ: مالک بن انس، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، سال ۱۴۰۶.

۱۰۴. میزان الإعتدال فی نقد الرجال: ابوعبداللَّه محمد بن احمد بن عثمان ذهبی، دار المعرفه و دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۳۸۲ ه.

ن

۱۰۵. النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر: فقیه فاضل مقداد سیوری، دار الاضواء، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۷.

۱۰. نفحات الأزهار فی خلاصهٔ عبقات الأنوار: سید علی حسینی میلانی، قم، نشر الحقایق، چاپ دوم، سال ۱۴۲۶.

۱۰۷. نهج الحقّ وکشف الصدق: ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهر حلّی.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه ای
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹